



انترناسیونال ۴۱۶

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۱ شهریور ۱۳۹۰، ۲ سپتامبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

خشکیدن دریاچه ارومیه فاجعه ای برای میلیونها نفر

گفتگو با محسن ابراهمی

انترناسیونال: محسن ابراهمی در رابطه با خشک شدن دریاچه ارومیه همانطور که میدانید اعتراضاتی از جانب بخشهایی از مردم به جریان افتاده. قبل از هر چیز توضیح دهید که چه اتفاقی دارد می افتد؟

صفحه ۷

مخمصه جمهوری اسلامی و موقعیت اسلام سیاسی

اصغر کریمی

جمهوری اسلامی در مخمصه جدیدی قرار گرفته است. يك حکومت مستبد شبیه خودش در لیبی سرنگون شده و متحد استراتژیکیش در سوریه روزهای آخر حکومتش را میگذراند. جمهوری اسلامی

صفحه ۲

دنیای جان بوتون و دنیای

دکتر سواپر



کاظم نیکخواه

در میان خبرهای مربوط به لیبی يك خبر شاید چندان مورد توجه قرار نگرفت. و آن درمورد عبدالباسط المقراحی بود. او را میشناسید؟ او يك لیبیایی متهم به بمب گذاری در هوایمی پان آمریکن در سال ۱۹۸۸ است که به مرگ ۲۷۰ نفر منجر شد. او در اسکاتلند منطقه ای که هوایمی سرنگون شد، محاکمه شد و به مدت ده سال در زندان بود. البته او مدام دست داشتن در بمب گذاری را انکار کرده است و تناقضات زیادی در پرونده او وجود داشت که هیچگاه روشن نگردید. حکومت محلی اسکاتلند در سال ۲۰۰۹ با این توضیح که او به دلیل ابتلا به سرطان پروستات چندماهه به عمرش باقی نمانده، اجازه داد او بعد از ده سال زندان، به لیبی بازگردد. این تصمیم با مخالفتهای زیادی در انگلستان و آمریکا مواجه شد و دولت اسکاتلند متهم به مماشات با رژیم قذافی شد و بشدت زیر فشار قرار گرفت. مخالفین میگفتند که المقراحی به دلیل جنایت عظیمی که کرده است میبایست میماند و در زندان میبرد. این بطور خلاصه سابقه خبر بود. اما با عقب رانده شدن رژیم قذافی از تریپولی یا طرابلس، مدافعان بازگرداندن مقراحی به زندان و بویژه حکومت آمریکا دوباره فعال شدند و تلاششان این بود که المقراحی توسط دولت جدید لیبی پیدا و دستگیر شود و برای گذراندن بقیه دوره زندانش به اروپا یا حتی به آمریکا بازگردانده شود.

و تازه ترین خبر این بود که خبرنگاران برخی رسانه ها محل اسکان المقراحی را پیدا

صفحه ۳

کابوس سقوط قذافی و سراسیب اسد

عبدل گلپریان

ارزیابی از عملکرد وزارت خارجه درباره تحولات سوریه و لیبی میگردد: نقطه اشتراک سوریه با دیگر انقلابهای منطقه این بود که آزادی و انتخابات واقعی در این

صفحه ۳

لیبی به روایت چپ سنتی

در حاشیه سخنان ناصر زرافشان

مورد حمایت وسیع افکار عمومی مردم و نیروهای مترقی جهان قرار گرفته است. اما در هفته گذشته روایت دیگری از

صفحه ۴

جمهوری اسلامی و انقلاب مردم سوریه!

محمد شکوهی

در برابر سرکوب های وحشیانه رژیم سوریه، تحسین همگان را بر انگیزخته است. تاکنون سیاست جمهوری اسلامی حمایت بی چون

صفحه ۱۱

صفحات دیگر

تظاهرات مردم سلیمانیه علیه جنایات دولت ترکیه و

جمهوری اسلامی

سوم سپتامبر ۲۰۱۱ تظاهرات جهانی: در دفاع از مردم

کردستان عراق، علیه جنایات

جمهوری اسلامی و دولت ترکیه!

لیست آکسیونهایی سوم سپتامبر

صفحه ۱۰

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در حمایت از مبارزه

مردم در ارومیه، تبریز و میانه

صفحه ۱۲

دادگاه و محاکمه علیه فعالین کارگری

صفحه ۱۱

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران، صفحه ۹

"۲۲ سال پیش همسر من به قتل رسید"

فریده آرمان، صفحه ۱۲

بازتاب هفته

سرنوشت ماموران امر به معروف

یاشار سهندی

تازه ترین رویدادهای منطقه

محمد شکوهی

ماه رمضان، ماه مبارک خدا

مصطفی خوش سیما

صفحات ۶-۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مخمسه جمهوری اسلامی

۰۰ و از صفحه ۱



اسلامی خطرناک است. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی اخیرا گفته است که بشار اسد باید در برخورد با مردم از شیوه های احتیاط آمیز استفاده کند و در مقابله با معترضان با سعه صدر بیشتری رفتار کند و پاسخگوی خواسته های مشروع مردمش باشد! همزمان از اسد هم قاطعانه دفاع کرده است. يك نماینده مجلس نیز گفته است آزادی و انتخابات واقعی در سوریه وجود ندارد و اقلیت بر اکثریت حکومت می کند. گفته میشود که خامنه ای هم دستور توقف حمایت از دولت سوریه را داده است.

این اظهارات قبل از هرچیز نشان میدهد که جمهوری اسلامی متوجه شده است که کار اسد تمام است و بیش از این نباید روی اسب بازنده شرط بندی کند و همه پل های رابطه با حکومت جانشین اسد را خراب کند. تا همینجا هم کلی کار دست خود داده است. رابطه اش با حماس بخاطر ناهمخوانی در رابطه با سوریه خراب شده و در کل منطقه بی آبروتر و منزوی تر شده است. و مهمتر اینکه هر سیاستی جمهوری اسلامی در پیش گیرد بطور قطع سرنگونی اسد شکست بزرگی برای این حکومت خواهد بود و این یکی از همه خطرناک تر است. میتوان تصور کرد که فردای سرنگونی حکومت اسد، سران حکومت چگونه مقابل دوربین ها قرار میگیرند و مقابل موج شادی مردم در ایران و در منطقه به چه روزی می افتند؟ اما مشکل جمهوری اسلامی این است که علیرغم همه این مشکلات، نمیتواند چرخش ۱۸۰ درجه ای بکند و مقابل اسد قرار بگیرد. جمهوری اسلامی يك رکن مهم اسلام سیاسی در منطقه است و مقابله با "امپریالیسم" و اسرائیل و دفاع از دولت ها و جریانات اسلامی استراتژی آنرا تشکیل میدهد. شکست را باید قبول کند اما استراتژی اش را نمیتواند تغییر دهد.

وگرته کل بنیادهای حکومت به باد میروند.

موقعیت اسلام سیاسی

با شروع انقلابات در منطقه، ضربات سنگینی به جنبش اسلام سیاسی وارد شده است و با شکست اسد که یکی از پایگاه های مهم اسلام سیاسی است، میخ بزرگی به تابوت اسلام سیاسی و متحدش جمهوری اسلامی کوبیده میشود. دیگر مولفه های ضربه به جنبش اسلام سیاسی را میتوان برشمرد:

- در عرض کمتر از یکسال در چندین کشور که به قول حمید تقوایی منشاء و مبدا و حیاط خلوت اسلام سیاسی است انقلاباتی رخ داده است که اسلام سیاسی در آن هیچکاره است. و نه تنها هیچکاره است که این انقلابات مقابل آن است.

- مانیفست جوانان غزه که چند هفته قبل از انقلاب تونس منتشر شد و در واقع پرچم جنبش نوین و آزادخواهانه ای در خود فلسطین است، حماس و الفتح و اسلام سیاسی را در کنار دولت آمریکا و اسرائیل و سازمان ملل بعنوان دشمنان مردم معرفی کرده بود.

- تظاهرات توده ای در اسرائیل که نه رنگ و بوی مذهبی و ناسیونالیستی که با شعار سمبلیک اینجا مصر است، عرض اندام کرد، هم سرنوشتی مردم اسرائیل و فلسطین و مصر و تونس را تحکیم کرد و جبهه انسانی علیه جریانات ارتجاعی را در منطقه بیشتر تقویت نمود.

- انقلاب ۸۸ در ایران که پیش درآمد همه این انقلابات بود، انقلابی علیه مهمترین سنگر اسلام سیاسی بود که بحران همه جانبه جمهوری اسلامی را بسیار تعمیق کرد. چنان تعمیق کرد که سران جمهوری اسلامی در سرنگونی هر دیکتاتوری در منطقه آخر و عاقبت نزدیک خود را میبینند.

- در سطح جهانی، انقلابات منطقه این تصویر دروغین را که اینها امت اسلام اند در هم شکست. نسبیت فرهنگی سکه يك پول شد. مدافعان خجول اسلام سیاسی تحت لوای ضدیت با "امپریالیسم" بی آبروتر شدند. همبستگی جهانی با مردم ایران علیه حکومت اسلامی و

همبستگی با میلیون ها مردم مصر و لیبی و تونس و سوریه و یمن و عراق و ... علیه دولت های نیمه اسلامی و سرکوبگر تقویت شد.

- سازش و بند و بست دولت های غربی با دولت های اسلامی در منطقه دشوارتر شد. دیگر توجیهات قبلی کارائی ندارد. معلوم شد که این دولت ها بی اعتبارتر از آن هستند که در غرب سعی کرده بودند افکار عمومی را با آن بار بیاورند.

با تعیین این روند، دوره ای که توسط دو قطب تروریسم بین المللی شکل داده میشود، به پایان خود نزدیک میشود و با پایان این دو قطبی، قطب اسلام سیاسی جایگاه قبلی خود را تماما از دست میدهد و اسلام سیاسی افول میکند. فی الحال بسیاری از سنگرها را از دست داده است و کاملا در موقعیت تدافعی قرار گرفته است. این روندی است که تاك تك دولت ها و جریانات اسلامی را به پایان خود نزدیک میکند.

جمهوری اسلامی اولین بازنده این تحولات است. مخمسه جمهوری اسلامی بسیار جدی است. سرنگونی قذافی و قریب الوقوع بودن سرنگونی اسد حکومت را در وحشت عمیقی قرار داده است. در سطح جهان و منطقه موقعیتش بشدت تضعیف شده است. مردم از سرنگونی حکومت های سرکوبگر به وجد آمده اند و امیدواری در صفوف مردم گسترش یافته و راه حل ها روشن تر شده است. انقلابات در عین حال میخ دیگری به تابوت "اصلاح طلبی" در ایران بود. با این تحولات اکنون سرنگونی طلبی به تنها گفتمان و راه حل در مقابل جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

دولت ها و احزاب و جریانات اسلامی برای بقای خود دست به هر اقدامی خواهند زد. اما جلو روند اضمحلال خود را نمیتوانند بگیرند. توازن قوا به زیان این جنبش در حرکت است. سیر قهقرائی که جهان را در خود فرو برده بود به پایان رسیده و انقلابات سوت پایان قطعی آن دوره، و ورود به دوره جدید را به صدا درآورده اند. سوال مهم این است که چه جنبش هائی به جلو صحنه میایند و کمونیسم کارگری در چه موقعیتی قرار گرفته است و تا چه حد آماده است از این موقعیت برای پیشروی

خود استفاده کند؟ به این سوال در فرصت دیگری خواهم پرداخت اما بطور مختصر میتوان گفت که همه شواهد حاکی از آن است که در ایران انقلاب برای سرنگونی جمهوری اسلامی بار دیگر در دستور روز جامعه قرار میگیرد، جریانات ملی اسلامی و اصلاح طلب حاشیه ای تر شده اند و جریانات سرنگونی طلب و انقلابی و مشخصا حزب کمونیست کارگری در موقعیت بهتری قرار گرفته اند. در سطح جهانی نیز اسلام سیاسی حالت تدافعی بیشتری بخود گرفته و زمینه ضربات بزرگ تر به این جنبش فراهم شده است. شرط پیشروی علیه

این جنبش اما قبل از هرچیز در گرو این است که پیروزی های تا کنونی و مولفه های مبارزه در شرایط جدید را تبیین و تثبیت کنیم تا نیروی بیشتری علیه این جنبش به حرکت درآوریم و تارکات های مبارزه در این دوره را روشن تعریف کنیم. بیش از هر زمان ضروری است با افکار عمومی در سطح بین المللی کار کنیم و نیرو بگیریم. حرف های زیادی برای گفتن داریم و گوش ها بیش از هرزمان برای شنیدن آنها باز است. این دوره باید دوره عروج مجدد کمونیسم نوین، کمونیسم کارگری و انسانی مارکس و منصور حکمت باشد. *

شیلی: اعتصاب عمومی دو روزه در شیلی



جواب گرفته است، ولی تا بحال نتوانسته است مردم را متقاعد به سکوت و خانه نشینی بکند و برعکس هر روز در حال گسترش بوده است. بر روی یکی از پلاکاردهایی که دانشجویان حمل میکردند این شعار به چشم میخورد: "در کوبا من میتوانم میخورم؛ در کوبا من نمیتوانم شیلی چی ...؟؟؟" دانشجویان میگویند مصمم هستند اعتراضات شان را تا دستیابی به مطالباتشان ادامه دهند. هم اکنون که کارگران نیز با حضور وسیع خود به میدان آمده اند، انتظار می رود این اعتراضات گسترده تر بشود و فشار را بر دولت افزایش دهد.

به گزارش The Herald به دعوت بزرگترین اتحادیه کارگری شیلی CUT روزهای چهارشنبه و پنج شنبه ۲۴ و ۲۵ اوت در سراسر کشور اعتصاب عمومی اعلام شد. صدها هزار نفر با حضور در خیابانها اعتراض خود را به قوانین نابرابر، نبود امکانات رفاهی و برای بهبود قوانین کار و بازنشستگی و بطور خلاصه يك زندگی بهتر اعلام کردند. همزمان دانشجویان و دانش آموزان نیز با اعتصاب خود خواهان آموزش رایگان و هزینه کردن بیشتر دولت در زمینه آموزشی هستند. این اعتصابات که از چند ماه پیش آغاز شده است، فقط و فقط با باتون و گاز اشک آور و بازداشت معترضین

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

زنده باد سوسیالیسم!

دنیای جان بولتون و ...

کردند و توانستند به خانه او راه یابند و با خانواده اش گفتگو کنند. معلوم شد که المقراچی آخرین لحظات زندگی را میگذراند و آشکارا در حالت کما و در آستانه مرگ قرار دارد. کمپین گران مزبور و در راس آنها "میت رومنی" از چهره های شاخص جمهوری خواهان آمریکا با این وجود بر موضع خود پافشاری کردند و گفتند او باید در زندان بماند. جان بولتون نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل گفت "المقراچی باید به اعدام محکوم می‌شد. او ۲۷۰ نفر را کشته است. و تنها ده سال در زندان بوده است. حتی به حساب ریاضی برای کشتن هر نفر او دو هفته در زندان بوده است. این بهیچوجه کافی نیست." هستند کسان دیگری در کمپین برای جانباختگان هواپیمای لاکربی که با همین استدلال در تمام سالهای اخیر خواهان حکم اعدام برای مقراچی بوده اند. این یک برخورد منطقی و ساده و سراسر است به جنایت است: منطق قصاص و عقوبت و مکافات. منطق اینک بالاخره کسی که جنایت کرده نباید آب راحت از گلویش پایین رود. به این باز میگردم.

اما در همین رابطه یک برخورد دیگر را نیز شاهد بودیم که انگیزه من برای نوشتن این یادداشت این برخورد بود. دکتر جیم سوار Jim Swire که دختر خود "فلورا" را در بمب گذاری لاکربی از دست داده است و یکی از

از صفحه ۱

کمپین گران لاکربی است که تلاش کرده است تا حقیقت روش شود، میگوید "المقراچی را باید راحت گذاشت که بدون تحقیر و با منزلت لحظات آخر زندگی را بگذراند. من فکر میکنم با توجه به تمام مراحل که او گذرانده و باید در کنار خانواده اش در تریپولی در آرامش بمیرد. فکر بازگرداندن او در این شرایط بسیار وحشیانه است. این شخص تقاضای تجدید نظر در حکمش را پس گرفت تا بتواند در کنار خانواده اش بمیرد. او حق دارد در روزهای آخر عمرش در آرامش باشد." دکتر سوار در اشاره به اینکه خانواده مقراچی گفته اند شرایط لیبی باعث شده است که او به دارو و دکتر دسترسی نداشته باشد، گفت "من دوست دارم در این لحظات سخت و بی دارویی به او کمک کنم اما با توجه به پیچیدگی اوضاع نمیدانم این امکان برایم وجود خواهد داشت یا نه"

با خواندن این جملات اشک در چشمان من جمع شد. شما چطور؟ دکتر سوار هم مثل من و شما نمیداند که آیا واقعا این شخص قاتل آن ۲۷۰ نفر و از جمله دختر عزیز او بوده است یا نه. و یک احتمال را این میدهد که او قاتل قرون و اعصار رایج بوده است، خواهان انتقام نیست. خواهان قصاص نیست. میگوید این شخص حق دارد در لحظات آخر زندگی تحقیر نشود و مثل یک انسان، با منزلت بمیرد.

منطق او هم ساده و سراسر است: مقراچی چه قاتل چه بی گناه يك انسان است. مقراچی در این شرایط خطری برای جامعه نیست. او در حال مرگ است و فکر انتقام گیری از او وحشیانه است. او سزاوار اینست که مثل انسان لحظات آخر زندگی را بگذراند و بدون تحمل تحقیر و مجازات و انتقام گیری بمیرد.

کدام نگاه و کدام منطق؟

من دکتر سوار و افکار او را نمیشناسم. نمیدانم او دقیقا چگونه به این سادگی دارد خلاف جریان حرف میزند. هضم برخورد های او برای میلیونها نفر در سراسر جهان که اندیشه هایشان را از رسانه ها و تبلیغات حاکم گرفته اند، سخت و غیر ممکن است. یک قاتل و مرگ با منزلت؟! یک قاتل و آرامش؟! دراز کردن دست دوستی و محبت به سوی یک قاتل؟! براستی کدامیک منطقی تر است؟ کسی که قتل و جنایت کرده آنهم در این ابعاد باور نکردنی منطقی بنظر میرسد که در زندان بپوسد. و تازه جناب سناتور آمریکائی اگر میتوانست او را ۲۷۰ بار به شیوه جمهوری اسلامی قصاص میکرد. زیرا او قاتل است و حش همین است. زیرا عدالت در مورد قربانیان او باید رعایت شود و قاتل باید اعدام شود یا در بهترین حالت در زندان بپوسد. این منطق حاکم بر تمام جوامع تاکنونی بوده است که هنوز هم در بسیاری از کشورها حاکم است. عربان ترین و سراسر ترینش را هم جمهوری

اسلامی بر اساس قوانین اسلامی پیاده میکند و میگوید قتل در برابر قتل، چشم در برابر چشم، و دست در برابر دست. و آنرا سر راست عملی میکند. خیلی ها خشونت جمهوری اسلامی و طالبان و امثالهم را قبول ندارند ولی هنوز به مجازات مجرم و قاتل تاکید دارند. یعنی منطق و نحوه حرکتشان بر اساس مجازات و انتقام است.

اما منطق دیگری هم وجود دارد که همان است که اینجا دکتر سوار آنرا نمایندگی میکند. این نحوه برخورد را شاید بشود منطق اجتماعی یا انسانی نام نهاد. اساس این حرکت بر انتقام نیست. بلکه اساس آن بر اینست که جامعه باید از خشونت و جنایت مصون نگه داشته شود. جنایتکار نباید بتواند بیشتر جنایت کند. اما در عین حال باید تلاش کرد او را اصلاح کرد و از جنایت کردن باز داشت. باید تلاش کرد ریشه های جنایت کاری را شناخت و آن ریشه ها را خشکاند. در این منطق اعدام و حبس ابد معنایی ندارد زیرا راه را بر اصلاح جامعه و فرد می بندد. زیرا جامعه و مردم و قربانیان از انتقام نفعی نمی برند. بلکه بر عکس انتقام و اعدام و قصاص و کشتار و حبس ابد و تحقیر و مجازات مجرمین راه را بر ادامه زنجیر وار قتل و جنایت باز میگذارد. تاریخ جوامع کنونی شاهد این مدعاست. جوامعی که بر تحقیر و توهین و سرکوب و ستمگری و محرومیت اکثریت مردم استوارند و از نظر ما ریشه تمام جرم و جنایات در همینجاست.

براستی شما خوانندگان چه فکر میکنید؟ از اینکه قاتلی عقوبت و مجازات نشود و مثلا در جایی آرام به مطالعه و آموزش مشغول باشد ناراحت نمیشوید؟ حتی اگر بدانید که او دیگر قاتل نیست و نخواهد بود؟ آیا اگر بجای دکتر سوار بودید که دختر نازنینتان را روی هوا وحشیانه کشتار کرده بودند، بازهم حاضر بودید به کمک قاتل بشتابید؟ این سوالی است که باید با جسارت به آن جواب داد تا معلوم شود که هرکس کجا ایستاده است و تا چه حد به منطق دنیای غیر انسانی کنونی آلوده است.

ظاهر قضیه اینست که بحث بر سر اختلاف بر سر مساله مجازاتهاست. بر سر مخالفت یا موافقت با اعدام و حبس ابد است. اما بنظر من مساله بسیار از این فراتر میرود. حقیقت اینست که بحث بر سر دو نوع تفکر است. دو نوع جهت گیری اساسا متفاوت و دو دنیای متفاوت است. اینکه کسی خواهان انتقام و عقوبت و قصاص باشد، او را به يك سنت طبقاتی وصل میکنند، و کسی که مثل دکتر سوار به بهبود جامعه و فرد می اندیشد و در پی انتقام نیست به سنت طبقاتی دیگری تعلق دارد که مدرن و انسانی و سوسیالیستی است. حتی اگر خود دقیقا اینرا نداند. از نظر من دنیا عمیقا و وسیعا به نگاه و برخورد دکتر سوار نیاز دارد تا از تاریخ توحش خود کاملا عبور کند. شما چه فکر میکنید؟*

کابوسی سقوط قذافی و ... از صفحه ۱



کشور وجود ندارد و اقلیت بر اکثریت حکومت می کند. بهترین گزینه برای سوریه اصلاحات داخلی در این کشور است. ولی متأسفانه حکومت سوریه دیر وارد اصلاحات شد. آنان خیلی زودتر از اینها باید اعتراضات مردمی را می شنیدند. چراکه انتقادها از حکومت این کشور در ابتدا با هدف اصلاحات بود و اگر سوریه زودتر از اینها با مردم کنار می آمد به این وضعیت نمی رسید... عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی همچنین گفت: "واقعیت این است که حمایت مطلق ما از سوریه کار درستی نبود. چراکه مردمی که در این کشور علیه حکومت تظاهرات می کردند مردم متدینی بودند و حرکت های اعتراضی خود جوش بود. هرچند آمریکا و غرب معترض ها را

تحریک کرده و با ارسال اسلحه سمت و سوی خاص خود را به این تحولات دادند. وی در خصوص عملکرد وزارت خارجه در خصوص تحولات لیبی هم اظهار داشت: ایران قصد همکاری با انقلابیون لیبی را داشت ولی خود آنها این همکاری را نپذیرفتند."

تظاهرات سید احمد آویی نماینده و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم در مجلس، زبان حال اظهارات سوزناکتر سران رژیم اسلامی در خصوص انقلاب مردم سوریه است. همینکه او به "اشتباهات" دولت متبوعش و همچنین توحش دولت بشار اسد علیه

نیست که حکومت اسلامی وقتی سراسیمه حکومت قذافی را بو کشید به انقلابیون لیبی پیشنهاد کمک داده باشد. اما چه کسی حاضر است ننگ همکاری با حکومت منحوسی مثل جمهوری اسلامی را در این دنیای وانفسا که همه کس از این حکومت نفرت دارد بپذیرد؟ آنچه خواب را از چشمان سران و آیت الله های میلیاردر حکومت اسلامی ربوده، انقلاب در کشورهای عربی و شمال آفریقا است. حتی اگر این جنایتکاران از سر مصلحت و منفعت سیاسی برای تداوم نظامشان قصد همکاری با انقلابیون لیبی را هم می داشتند، پاسخ دندان شکن و دست رد بر سینه رژیم اسلامی از سوی آنان گویای این است که نمی شود به حکومتی پوسیده که خود در حال سرنگونی و افتادن است تکیه کرد. چنین اظهاراتی از سوی عضو امنیت ملی و سیاست خارجی رژیم، نیازی به

لیبی به روایت چپ سنتی ...

از صفحه ۱



رویداد های چند ماهه گذشته لیبی توسط آقای ناصر زرافشان از تلویزیون پیام افغان منتشر شد که بیشتر به شوخی شباهت داشت. اما در گرماگرم نبرد های خونینی که برای ریشه کن کردن باقیمانده رژیم قذافی جریان دارد و در هنگامه بازگشایی زندانها و نمایش صحنه های کسانکی که بدست نیروهای قذافی مورد شکنجه، تجاوز قرار گرفته و به قتل رسیده اند، بعید بنظر برسد که اگر حتی يك نفر از مردم لیبی صحبت های آقای ناصر زرافشان را بشنود و بفهمد، بتواند به این شوخی دردناک بخندد. از مصاحبه ایشان می توان نتیجه گرفت که مردم لیبی باید معمر قذافی، خاندان و همکارانش را به قصر های خود برگرداند و از مبارزات خود بر علیه دیکتاتوری و فقر اظهار پشیمانی کنند. آقای زرافشان مصاحبه خود در مورد اوضاع لیبی را با این جمله آغاز می کند: "لیبی مورد تجاوز آشکار ناتو قرار گرفت و کاملا بدیهی است که مطامع امپریالیستی در پس این تجاوز نهفته است." انقلابی در کار نیست. جنبش عظیم مردم بر علیه فقر، استثمار و خفقان و سرکوب در کار نیست. اصلا مردمی که بر علیه حکومت عشیره ای قذافی برخاسته اند، در کار نیستند بلکه "هوایما های ناتو و مامورین اطلاعاتی انگلیسی و فرانسوی و يك مشت سلطنت طلب فاسد که چهل سال پیش بعد از سقوط ملک ادریس پناه برده بودند به ایتالیا، هستند و ما که از آنچه با بیشرمی بعضی آنها را انقلابیون لیبی خطاب می کنند، صحنه جنگی ندیدیم. هر چه رسانه های غربی نشان دادند، يك مشت آدم غیر حرفه ای، مشخص، آدم بیکاره عقب چند تا وانت که به هوا شلیک می کردند. جنگی وجود نداشت و مردمی در کار نبودند که بجنگند". بله. تئوری انقلاب را باید از دکتر زرافشان آموخت. به نظر ایشان انقلاب را آدمهای حرفه ای که اصلا شغل آنها انقلاب کردن است انجام می دهند که همگی کار درست و حسابی دارند، عقب وانت هم نمی ایستند، بلکه با ماشین های شخصی خود و یا با قطار اتوبوس به محل انقلاب تشریف می آورند. تیراندازی هوایی نکرده بلکه با دقت و حوصله و کاملا حساب شده هدف گیری و تیراندازی می کنند و یادشان نمی رود که در هنگام استفاده از اسلحه، دستکش بپوشند.

چپ سنتی، راست غیر سنتی است

منتقد "امپریالیسم" ما تازه دارد دخالت ایتالیا و غرب را در لیبی کشف میکند. او نمی داند که ایتالیا تا شش ماه قبل بزرگترین شریک تجاری رژیم قذافی بود. قراردادهای پرسودی توسط شرکت های بزرگ چند ملیتی و

ایتالیایی بسته شده بود و پس از اولین موفقیت های مردم لیبی در مقابل ارتش قذافی، ارزش سهام این شرکت ها سقوط فاحشی کرد و بحران اقتصاد ایتالیا خیلی جدی تر شد. آقای زرافشان نمی داند که بین رژیم قذافی و اتحادیه اروپا قرارداد امنیتی امضا شده بود تا مانع ورود پناهجویان آفریقایی به اروپا شود و مدرنترین تجهیزات امنیتی توسط کشورهای اروپایی به ارتش لیبی فروخته شده بود و دست و دلبازی ژنرال قذافی در واگذاری قرار دادهای اقتصادی به شرکت های اروپایی زیانزد همه بود. دکتر زرافشان می گوید: "قذافی يك نظامی قدرت طلب و مقتدر، قبول. رژیم او هم يك رژیم هم عشیره ای و هم مبتنی بر درآمد قابل توجه نفت، يك معجون پیچیده ای از خشک و دست و پا میزد. اگر قذافی این مدل هست، جامعه لیبی هم يك جامعه ای است که مثل آلمان و انگلیس و فرانسه نیست. يك جامعه عشایریه. با مختصات خودش. و قذافی درست نماینده آن جامعه عشایری است. قذافی عقب مانده نماینده آن جامعه عقب مانده است. باید به هم بخورند ولی هماهنگی طبیعی با هم دارند." بله این همانجایی است که تمام چپهای سنتی در این دوره به آن میرسند و آن يك خط راست است. معلوم نیست که ایشان بر چه مبنایی جامعه لیبی با بیش از شش میلیون جمعیت را عشیره ای ارزیابی می کند آنهم در کشوری که اقتصاد آن بر گرده کارگر صنعتی نفت استوار شده است. این کارگران در اوایل اسفند ماه گذشته توانستند با اعتصاب های خود بویژه در جنوب لیبی، رژیم قذافی را فلج کنند و وحشت و هراس در شرکت های نفتی شریک رژیم ایجاد کنند. جامعه ای را که تکنولوژی و ابزارهای مدرن بکار گرفته می شود و سازماندهی و آغاز خیزش همگانی مردم از طریق شبکه رسانه های اجتماعی نظیر فیس بوک و توسط جوانان سازماندهی شد، با کدام استدلال می توان عشیره ای نامید؟ بدون شك حکومت معمر قذافی بر مبنای روابط عشیره ای شکل گرفته بود و تلاش داشت که مناسبات عقب مانده قبیله ای را از انقراض حفظ کند. حرکات مضحک سرهنگ قذافی از جمله بر پا کردن خیمه و بارگاه در سفر های او به اروپا و آمریکا و نمایش رسوم عقب افتاده عشیرتی، برای ما ایرانی ها می تواند با سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ مقایسه شود.

این نمایشات مسخره با واقعیت های زندگی قرن بیست و یکم و افکار مردم و بویژه نسل جوان لیبی همخوانی نداشت و یکی از معضلات رژیم قذافی محسوب می شد و بدون شك معضل ذهن دکتر ناصر زرافشان هم همین است. اما حقیقت ماجرا اینست که خانواده قذافی هم این عشیره گرایی و عشیره پرستی ژست ظاهریش بود و پسران قذافی در اروپا تحصیل کرده اند و دوست دخترهایشان دختران موبور و مانکنهای پلی بوی بودند و سرمایه هایشان در اقصا نقاط جهان دارد میچرخد و سود تولید میکند و سهام عمده برخی کنسرنهای بزرگ بین المللی در دست قذافی و خانواده اوست و خیلی فاکت های دیگر در این زمینه وجود دارد. بنابراین این معادله که يك طرف گویا يك قبیله و سنت و عشیره خالص لیبی وجود دارد و طرف دیگر تماما امپریالیستها و ناتو و دولتهای غربی هستند، بهیچ وجه واقعی نیست. این فقط تصویر کسی است که مبارزه طبقاتی را در دنیای امروز نمی بیند. این فقط تصویری است که چپ سنتی برای توجیه موضع راست خود از حکام مستبد و مرتجع آنجا که با دولتهای غربی سرشاخ میشوند، بدست میدهد. متاسفانه از دهان دکتر ناصر زرافشان باید سخنان نمایندگان و سخنگویان احزاب دست راستی و راسیستی اروپایی و آمریکائی را شنید وقتی که مردم لیبی را مستحق حکومت معمر قذافی می داند. تولد میلیونها انسان در لیبی و در حکومت قذافی بطور مادرزاد یوغ قوانین ارتجاعی و وحشیانه را بر گردن آنها می گذارد و جنایتکاری همچون معمر قذافی را نماینده آنها قلمداد می کند. بنظر ایشان مردم لیبی شایستگی برخورداری از آزادی و برابری ندارند چرا که در يك جامعه عشایری زندگی می کنند. "نظامی قدرت طلب و مقتدر" و "حاکمی که در داخل کشور هم مسائلی داشته"، این بیشترین "انتقاد" ناصر زرافشان به معمر قذافی است. قذافی برای سالها مورد تحسین چپ سنتی و عقب مانده ایران بود. او از شاخص های برجسته راه رشد غیر سرمایه داری و مورد ستایش طرفداران اردوگاه شوری بشمار می رفت. از اینجهت می توان گفت که حمایت ناصر

زرافشان از بقای حکومت قذافی بدون سابقه قبلی نیست. این نوع از "چپ" در محدوده تنگ ذهنی خودش باقی مانده، دنیا را نمی بیند و به انسان، حقوق انسانی و ارزش های انسانی، اعتنائی ندارد و همه را فدای مبارزات "ضد امپریالیستی" حاکمان در قدرت می کند. آزادی بیان، برابری زن و مرد، حقوق کودک، آزادی تشکل و تجمع باید در پیشگاه حاکمی که با امپریالیسم به خصومت برخاسته است، قربانی شود. مردم لیبی باید استثمار، خفقان و سرکوب را تحمل می کردند و خیزش آنها در مقابل این شرایط به نفع امپریالیسم تمام می شود.

تفسیر دکتر زرافشان از انقلاب نیز از چهارچوب مکانیکی چپ سنتی خارج نمی شود. ایشان در ابتدا جنبش آزادیخواهانه مردم لیبی را توطئه امپریالیستها و سلطنت طلب ها اعلام می کند و با این پیش فرض می گوید: "تحول اجتماعی يك امر "دروزا" است (چه واژه زیبا و مقدسی!)، یعنی يك امری است که زمینه این تحول بتدریج و خرده خرده با تغییرات اجتماعی در داخل يك جامعه فراهم می شه. این تغییرات و تحولات مردم را هم تاثیر می ده، همراه خودش می کشونه تا يك جانی که وضع موجود که نایب، تغییر نکرده همراه با این تغییرات، اونوقت اونقدر در تضاد و در مغایرت با تحولاتی که تدریجا روی هم انباشته شده قرار می گیره که برخورد بوجود میاره. از طرف دیگر وقتی يك جامعه ای تحول را، تحول نظام سیاسی اقتصادی اش را در دستور تاریخ قرار می ده، در دستور زندگی اجتماعی اش قرار می ده، توانائی انجام این وظیفه هم خود بخود و بطور ذاتی همراه با این ضرورت فراهم شده." و نتیجه می گیرد چون هوایماهای ناتو به ارتش قذافی حمله کرده اند پس جامعه لیبی خواهان هیچ تحول اجتماعی نیست. بجز آقای زرافشان کمتر کسی وجود دارد که چشم خود را ببندد و اگر از فعل و انفعالات درون جامعه لیبی بی خبر باشد و تغییرات اجتماعی آن را نبیند و تحولات جهانی و منطقه و تاثیر شگرف آن بر جامعه لیبی انکار کند. بی دلیل نیست که وی خیزش مردم لیبی را بدون ارتباط به انقلاب مردم تونس و مصر و سرنگونی حکومت

صفحه ۵

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و

بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلائی بدل میشود!

بازتاب هفته

سرنوشت ماموران امر به معروف

یاشار سهندی

... "الان شاهدیم که به راحتی به روحانیت توهین می‌کنند و شأن او را پایین می‌آورند؛ در این سابقه بیش از ۳۰ سال انقلاب چه زمانی سابقه داشته که یک روحانی را جایی گیر بیندازند و او را دوره کنند؟" این گفته یک حجت اسلام است که در پی "نهی از منکر" به بیان صحیص تر فضولی در کار مردم کتک مفصلی خورده . در چند ماه گذشته چندین واقعه مشابه اتفاق افتاده است که حسابی صدای "روحانیت معظم" را در آورده است. اما در این مورد "پژوهشگر دینی" مذکور اعتراف می‌کند که "شان روحانیت" دیگر مراعات نمی‌شود! ایشان واقعه را این گونه تعریف

می‌کند: "یک موتورسوار با شدت به ماشین بنده زد، به راکب این موتور که مشغول کشیدن سیگار بود گفتم که از خسارتی که به ماشین من زدی، می‌گذرم، فقط شما حرمت ماه مبارک رمضان را نگه دار و سیگار را خاموش کن. پس از این تذکر، موتورسوار اقدام به فحاشی و توهین‌های وقیحانه نه به شخص بنده که به روحانیت و مقدسات مذهبی کرد؛ این فحاشی‌ها آن قدر شرم آور بود که یادآوری آن موجب آزارم می‌شود". توضیح زیادی لازم ندارد. این موتور سوار سمبل و نمونه تیبیک ۶۰ میلیون نفر زن و مرد و کودک و پیر و جوان در جامعه ایران است.

این شاید اولین نمونه باشد که یک آخوند از نفرت مردم از این انگلهای اجتماع می‌گوید. این جناب آنقدر عصبانی است که قول داده شکایت خود را "به خاطر توهین به

که میان دعوی وجود آمده وساطت کنند بلکه یک طرف دعوا شدند و از خجالت "پژوهشگر دینی" در آمدند. سایتی حکومتی که خبر را منتشر کرده تاکید کرده است "حجت اسلام روزمه" نقش فعالی در سرکوب مردم در تظاهراتی ۸۸ داشته است، و ای بسا اگر آن "پنج و شش نفر" میدانستند که حاجی در جریان سرکوب مردم در سال ۸۸ نقش مستقیم داشته بدتر از این بر سرش می‌آوردند.

این حادثه و حوادث مشابه این که روز به روز به گزارش خود رسانه های حکومت بیشتر هم میشود نشان از "نقش و جایگاه روحانیت" در بین توده های مردم است. بی اغراق میتوان ادعا کرد به جز در بخشهای از شهر (مانند بازار تهران) شما در طول روز آخوندی را مشاهده نمی کنید. مگر اینکه مجلس عزایی باشد یا وقت نماز باشد که سریعاً به داخل مسجد پناه میبرند. آخوند

روحانیت و باورهای مذهبی" پیگیری کند! نفرت از آخوند جماعت بعد از سی سال حکومت این زالوهای اجتماعی هیچ عجیب نیست، اینها نه تنها به غارت وسیع ثروت مردم مشغول هستند بلکه در تمام این مدت در خصوصی ترین امور مردم دخالت کرده اند و با هولناک ترین روشها؛ شلاق، قطع دست، پرتاب از بلندی، اعدام و سنگسار مردم را مجازات کرده اند. عکس العمل آن جوان موتورسوار گوشه کوچکی از نفرت عمیقی است که از این انگلهای اجتماع در سراسر جامعه موج میزند. خود این آخوند اشاره می‌کند که ابتدا با یک نفر درگیر شده است اما در ادامه به گفته خودش پنج و شش نفری به او حمله کردند و به ماشین ایشان خسارت وارد کردند و در این میان زنده چشم راست حاج آقا را بالا آوردند! این جمع شدن "پنج و شش نفر" دیگر گویای خیلی چیزها است. نکته اینجاست آنها نیامدند

صدمه خوردن به منافع سرمایه داری یعنی مالکان زیربنای اقتصادی و از هم پاشیده شدن بنیاد های مسلط اجتماعی است. متأسفانه پرده خیال دکتر زرافشان از شرایط "شش ماه قبل از این تهاجمات"، بلند تر پرواز نمی‌کند و دنیای بهتری نمی‌تواند آرزو کند.

نبردی در لیبی به انتهای خود رسیده است. مردم لیبی قد علم کرده و سنگ بزرگی را از راه خود برداشته اند ولی مصافهای دیگری در پیش خواهند داشت. حمله ناتو به ارتش قذافی با هدف همدردی و همیاری با کارگران و زحمتکشان لیبی و دهها هزار کارگر مهاجر که در آنجا مشغول به کارند، نبود. دخالت ناتو سه ماه بعد از آغاز خیزش انقلابی مردم لیبی و پیشروی سریع آنها در مقابل ارتش قذافی بود. گسترش سریع امواج انقلاب در عین حال شکننده بودن رژیم قذافی و انزجار شدید مردم از رژیم او را نشان داد. برای آمریکا و متحدانش چاره ای بجز دخالت در لیبی نمانده بود. این انتخابی ناگزیر برای غرب برای ادامه کنترل بر منابع و صنایع نفتی این کشور بود. بر عکس تصور دکتر زرافشان سرمایه داران ایتالیایی بیشترین کنترل را بر منابع اقتصادی لیبی داشتند و تا آخرین لحظات مخالف حمله ناتو به ارتش قذافی بودند. پیشروی مردم لیبی در مقابل

رژیم آنها را ناچار به همراهی در این حرکت و جلوگیری از کشتار مردم در بن غازی و سهم کردن سایر کشور ها در منافع احتمالی آینده کرد. سرمایه داری لیبی هر چند بخشی از سران مهم خود را از دست داده است اما همچنان جامعه لیبی را در چنگ خود دارد و بدون شك از حمایت آمریکا و متحدانش نیز برخوردار است. سرنگونی قذافی می‌تواند پیروزی يك مرحله از انقلاب لیبی به شمار بیاید اما پایان کار نیست. پیش بینی آینده آسان نیست. توازن قوا بین جنبش های مختلف اجتماعی و طبقات مختلف ناپایدار و ناروشن است. دهها سال اختناق امکان تحزب و تشکل را از بین برده است. اما پس از این پیروزی مردم برقراری دوباره شرایط اختناق و سرکوب کار آسانی نیست. دکتر

زرافشان در سخنان خود شکوه می کند که: "دوران بعد از دیکتاتوری هرج و مرج است". به نوعی می‌توان این حرف را درست دانست. با سقوط دیکتاتور ارگانهای اعمال قدرت طبقه حاکمه از هم می‌پاشد و این فرصت مناسبی است تا احزاب و تشکل های سیاسی شکل بگیرند و نقش واقعی خود را در تحولات اجتماعی بازی کنند. نیروی سومی در مقابل دو قطب ارتجاعی قد علم کرده و شرایط نوینی فراهم کرده است. این شرایط می‌تواند فرصت مناسبی برای جنبش کارگری لیبی باشد تا تشکل های کارگری بوجود آید و طبقه کارگر لیبی بتواند مهر خود را بر تحولات آتی این کشور بزند و توازن قوا را به نفع خود و به نفع همه مردم لیبی تغییر دهد.*

معلمان شرکتی در مقابل مجلس اسلامی

دست به تجمع زدند

از اوایل صبح سه شنبه اول شهریور جمع زیادی از معلمان شرکتی در برابر مجلس اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. در پی اعلام وزارت آموزش و پرورش که حاضر به ادامه همکاری با این معلمان نیست، آنها هم دست به این تجمع اعتراضی زدند.

تجمع اعتراضی معلمان در مقابل مجلس اسلامی

ایسنا خبر داده است که جمعی از معلمان آموزشکده های فنی و حرفه ای بار دیگر در مقابل مجلس اسلامی تجمع اعتراضی کردند و خواستار روشن شدن وضعیت استخدامی خود شدند. در ادامه این خبر گفته شده است که این چهارمین اعتراض معلمان در ده روز گذشته در اعتراض به بلاکلیفی بوده است.

لیبی به روایت چپ سنتی...

از صفحه ۴

دارد، یک کشور مورد تهاجم اجنبی قرار گرفته است. مهم نیست که میلیونها نفر در این کشورها توسط رژیم های قذافی و صدام به بردگی کشیده شده و سرکوب شده اند، مهم نیست که در این "تجاوزات" دهها هزار نفر از مردم بیدفاع کشته و مجروح شده و یا بیخانمان گشته اند، که بیشترین قربانیان کودکان، سالمندان و زنان هستند. آقای زرافشان نگران نیستند که در جنگ دو قدرت یعنی ناتو و قذافی یا صدام گروه سومی هستند که تمام صدمات را متحمل می‌شوند. ایشان بیش از هر چیز نگران "ویران شدن زیر بنای اقتصادی و اجتماعی عراق و لیبی و منهدم شدن آنچه که این دو کشور طی چند دهه با صرف درآمد های نفتی ساخته بودند" و اینکه "این کشورها ناچارند چند دهه دیگر هم درآمد های نفتی خودشان را هزینه کنند تا دوباره به نقطه ای برسند که شش ماه قبل از این تهاجمات داشتند" می‌باشد. لازم به توضیح نیست که طبقه کارگر و مردم زحمتکش لیبی و عراق بهره ای از این زیربنای اقتصادی نداشته اند و زیر بنای اجتماعی موجود هم بجز مبتنی بر سرکوب و استثمار هر چه بیشتر نبوده است. آنچه که موجب تاسف ایشان است بیش از هر چیز

های بن علی و حسنی مبارک ارزیابی می‌کند و کشورها و تحولات آن را بر مبنای "نفتی" و "غیر نفتی" تقسیم کند و بناچار وضعیت عراق و حمله ناتو به صدام در سال ۲۰۰۳ را با حمله امسال ناتو به لیبی در کنار هم قرار دهد. آقای زرافشان هنوز توسعه ارتباطات، دهکده جهانی و تاثیر عظیم مبادله اطلاعات را در دهه اخیر در جوامع مختلف بشری درک نکرده است. چه معیار و چه شاخصی وجود دارد تا به آقای زرافشان نشان داده شود که مردم لیبی تشنه آزادی هستند، فقر و نابرابری عظیم اقتصادی را نمی‌خواهند، که کارگران لیبی خواهان تشکل های خود هستند تا ایشان لزوم ایجاد تحول اجتماعی را برای مردم لیبی تجویز کنند؟ آیا قرار بوده است که تحولات اجتماعی تدریجی مورد نظر ایشان در حکومت خاندان سرهنگ قذافی ها و در طول دهه ها و صدها صورت بگیرد؟

جدا از ابداع حیرت انگیز در ارزیابی تحولات سیاسی - اجتماعی کشور های لیبی و عراق و قیاس مع الفارق بین شرایط این دو کشور در دو شرایط متفاوت، دیدگاه آقای زرافشان در مورد دخالت ناتو در این دو کشور قابل ملاحظه است. برای ایشان "تجاوز" نیروهای خارجی به این کشور ها درجه اول اهمیت را

بازتاب هفته

تازه ترین رویدادهای منطقه



سوریه: صحنه های تازه ای از جنایات رژیم اسد!

شهرهای نامبرده بیش از ۱۰ هزار نفر را دستگیر کرده اند. در این میان اتحادیه اروپا طرح تحریم خرید نفت سوریه را در دستور گذاشته است و شماری کشورها طرح تحریم سوریه را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده اند. همچنین جمهوری اسلامی و مقامات رژیم هم ناچار شده اند در اثر فشار انقلاب مردم سوریه، در حمایت جمهوری اسلامی از رژیم اسد تجدید نظرهایی نمایند. بر اساس آخرین اخبار و گزارشات منتشر شده در جریان اعتراضات شش ماه گذشته بیش از ۳۰۰۰ نفر از مردم کشته، دهها هزار نفر دستگیر و بیش از ۳ هزار نفر مفقودالاثر شده اند.

لیبی: رژیم قذافی سقوط کرد!

در لیبی نیروهای مخالف رژیم موفق شدند طرابلس را تصرف نمایند. با تصرف این شهر رسماً عمر رژیم قذافی به پایان رسید. در طول هفته گذشته مخالفان قذافی وارد طرابلس شدند. شورای انتقالی به این شهر مراجعت کرده است. جنگ بر علیه نیروهای هوادار قذافی، بویژه در شهر سرت زادگاه قذافی متمرکز شده است. در اقدامی دیگر مخالفان به نیروهای هوادار قذافی اولتیماتوم داده اند چنانچه تا روز یکشنبه خود را تسلیم ننمایند، حملات گسترده ای را بر علیه آنها سازمان خواهند داد. در همین هفته تعدادی از اعضای خانواده دیکتاتور سابق لیبی به الجزایر فرار کرده اند. مخالفان خواستار تحویل آنها شده اند اما دولت الجزایر تاکنون از تحویل آنها خودداری کرده است.

با تصرف طرابلس گوشه های دیگری از ابعاد سرکوب و جنایات رژیم قذافی علنی شده است. با فتح زندان ابوسلیم در طرابلس بیش از ۱۰ هزار زندانی آزاد شده اند. زندانیان آزاد شده اعلام کرده اند که چهار زندان که دو تای آنها مخفی می باشد، جمعا بیش از ۶۰ هزار زندانی داشته است. در همین حال سازمانهای مدافع حقوق بشر اعلام کرده اند که دهها هزار زندانی مفقود شده و خبری از آنها نیست. با استناد به گزارشات زندانیان آزاد شده و منابع مخالفان احتمال قتل عام هزاران زندانی توسط رژیم قذافی وجود داد.

یمن: اعتراضات ادامه دارد! بعد از بازگشت صالح دیکتاتور

یمن به کشور، او دوباره وعده اصلاحات داده است. اما اعتراضات بر علیه رژیم ادامه دارد. در همین هفته صدها هزار نفر در صنعا پایتخت و تعز بر علیه رژیم تظاهرات کرده و جواب رد به وعده های اصلاحات دیکتاتور این کشور دادند. بنا به گزارشات منتشر شده رژیم صالح در صدد است سران قبائل و عشایر هوادار خودش را به بهانه خطر جریانات تروریستی نظیر القاعده و تحریکات جریان اسلامی شیعه هوادار جمهوری اسلامی، مسلح نماید. تظاهر کنندگان در شهر های یمن خواهان پایان دادن به حکومت صالح بوده و اعلام کرده اند به تظاهراتهای خود ادامه خواهند داد.

بحرین: سرکوب مبارزات مردم و وعده های رژیم!

در بحرین در روزهای اخیر تظاهرات ادامه داشته است. قبلا جریان اسلامی "الوفاق" که حزب اسلامی شیعه هوادار جمهوری اسلامی می باشد، اعلام کرده بود که در انتخابات شرکت خواهد کرد. به دنبال اعلام نتایج کمیسیون تحقیق پیرامون سرکوب ها و کشتار های رژیم آل خلیفه و برمل شدن ابعاد جنایات رژیم بحرین در سرکوب مبارزات مردم، این حزب ناچار گردید فعلا از مواضع خودپیرامون پیوست به طرح اصلاحات رژیم دست بردارد. بر اساس اخبار و گزارشات، رژیم این کشور هزاران نفر را در جریان تظاهراتهای چند ماهه گذشته دستگیر کرده است. مخالفان و سازمانهای مدافع حقوق بشر اعلام کرده اند که دهها پزشک، پرستار و کارکنان بیمارستانها که در جریان اعتراضات اخیر مجروحین را معالجه کرده بودند، توسط رژیم دستگیر و محاکمه شده اند. خطر زندانهای طولانی و اعدام این دستگیر شدگان را تهدید می کند. در هفته گذشته رژیم بحرین اعلام کرده که بر اساس فرمان پادشاه این کشور به دستگیرشدگان اعتراضات اخیر که "صدمه" دیده اند، خسارت پرداخت خواهد شد. این اقدام بر اثر فشار های بین المللی و افشای نقض شدید حقوق بشر در جریان سرکوبها و بنابه توصیه متحدان رژیم در منطقه صورت می گیرد. در این میان کشورهای غربی و بویژه آمریکا به دلیل دست بالا داشتن جریان اسلامی شیعه هوادار جمهوری اسلامی در این اعتراضات، دست رژیم بحرین و عربستان را در سرکوب مبارزات مردم باز گذاشته اند. بر اساس اخبار و گزارشات منتشر شده دهها نفر در هفته

های اخیر در جریان اعتراضات کشته شده و صدها نفر به بهانه "اقدام بر علیه امنیت ملی" دستگیر شده اند. به دلیل اهمیت استراتژیک بحرین برای آمریکا و غرب، این کشورها در برابر جنایات رژیم بحرین سکوت کرده اند. در این میان جمهوری اسلامی هم در صدد است که احزاب و جریانات اسلامی هوادار خودش را لانس کرده و از انقلاب مردم بحرین، روایت خودش را بدهد. *

ماه رمضان، ماه مبارک خدا

مصطفی خوش سیمیا

رمضان! این ماه مبارک خدایی، ماه زهر چشم گرفتن از مردم و کشتیدن سپاه جهل و خرافه اسلام سیاسی به خبیانها پایان یافت. ماه رمضان را ماه تزکیه نفس میخوانند، اما در واقع ماه توهین و تحقیر تمام مردم محروم است. در این ماه حزب الله و هیات های مفتخور و لمپن های اسلامی بسیج میشوند تا قوانین برگرفته پر از توحش ۱۴۰۰ سال گذشته را جاری کنند. خصوصا امروز این ماه برکتی است برای جمهوری اسلامی تا در اوضاعی که همه مردم علیه اش هستند، بتوانند اوباش حزب الله اش را سازمان دهد. از همین رو رمضان ماه تبدیل کردن فضای عمومی جامعه به زندان سیاسی، ماه کنترل و تجسس مردم با چماق خدا و اسلام است. اما در همین ماه جوانان به پارکها آمدند و گفتند شادی و زندگی انسانی حق مسلم آنهاست و کل قوانین اسلامی را به هیچ گرفتند و صدای اعتراض خود را بیان کردند.

ماه رمضان همچنین ماه آیت الله های میلیاردر و دزدهای اسلامی است. صنعت مذهب که پر درآمد ترین منبع سود برای سرمایه داران و حقاتر و استثمار برای بخش محروم جامعه است، در این ماه برویایی دارد. در ماه رمضان پادوهای اسلامی حکومت میکوشند به خود سازمان دهند و به هزاران شیوه نان و نشانی برای خود کسب کنند. از اینرو هزینه های کلانی که البته مقدار ناچیزی از ثروت های هنگفتشان است را صرف میکنند تا هم رضای خداوند متعالشان را داشته باشند و هم جاه و مقامی در نظام اسلامی موجود. از جمله حضرات صاحبان ثروت و هستی به یغما برده مردم، در قالب هزاران هیئت با فرستادن کارت دعوت به

همکیشان خود در دفاتر ادارات دولتی، مساجد، رستورانها تالارهای شناسنامه دار شهرهای ایران در این ماه آنچهنا سبسطی تحت عنوان مجلس افطار برپا کردند که دیدن داشت. جالب است که با چهره ای عوامفربانه در برابر آن بخش از مردمی که ته قلبشان اعتقادی هم به خدا و اسلام دارند، همه اینکارها را در راه خدا و مستضعفان نمایش میدهند. صرف پولهای کلان از میلیاردها پول بر جیب زده برای نزدیکی لحظه به لحظه بر خدای حاکم بر این بربریت!! بساط افطاری راه می اندازند تا بلکه مردم نیازمند را تحت این عنوان که وعده ای غذای گرم بگیرند به صفهای طولانی انتظار قوت و لایموت بکشانند. و به این شکل سعی میکنند تنوز اسلامشان را داغ نگاهدارند. اما جالب اینجاست که مردمی که معنی همه این بازی ها را میدانند، علیرغم فقر و فلاکتشان، عمدتا به همه این برنامه ها بیستفاوت هستند و باید بگویم بساط این هیات ها امسال از هر سال بی رونق تر بود. تازه همان تعدادی از مردم گرسنه که برای گرفتن غذا و افطاری مراجعه میکردند، بعدا میدیدی که در جمع هایشان بر سر اینکه چگونه از شر این حکومت میشود رها شد، سخن گفته و آرزوهایشان از یک زندگی انسانی را بیان میکردند.

در سوی دیگر این تصویر از ماه رمضان، این ماه مبارک خدایی، مردمی را میبینید که در زیر خط فقر فلاکت زندگی میگذرانند، از بام تا شام میدوند تا لقمه نانی گیرشان بیاید، حالا باید قوانین این ماه مبارک را هم رعایت کنند. روزه داری کنند و با شکم گرسنه و سفره خالی بگذرانند و اگر هم خطا کنند، اگر در ملاء عام روزه خوری کنند، جریمه و شلاق در انتظارشان است. و حکومت اسلامی برای این بارها اخطار داد و بیانیه صادر کرد.

روزی از یکی از کارگران همکارم سوال کردم که شما هم در این ماه از افطاری وسحری مسجد محل خود استفاده کردید؟ گفت: نه تنها استفاده نمی کنیم بلکه از آن نفرت داریم. تازه بدون خوردن آن هم احساس می کنم جلوی چشم گوشت حیوان مرده ای را به زور بهم داده اند!! پرسیدم: میشه بگی خوش ترین و بدترین مناسبت و روزهای زندگیت کدامها هستند؟ جواب داد هیچ روز خوشی ندیده و نداشته ام!! اما دو مورد در سال بسیار آزارم می

خشکیدن دریاچه ارومیه ...

از صفحه ۱
محسن ابراهیمی

میلیون انسان را ویران خواهد کرد.

انترناسیونال: چرا این اتفاق دارد می افتد؟ آیا دلایل طبیعی دارد یا دلایل دیگری آنرا توضیح میدهد؟

محسن ابراهیمی: مثل همه موارد این جا هم با دو روایت عمیقاً متفاوت مواجه هستیم. روایت حکومت اسلامی و روایت مردم معترض. روایت حکومت این است که خشکسالی و کمبود باران موجب این وضعیت شده است. صاف و ساده حکومت اسلامی با این توجیه می‌خواهد در مقابل اعتراضات مردم از خود دفاع کند. مردم هم صاف و ساده این روایت را قبول ندارند و آن را یکی دیگر از دروغهای سیاسی شارلاتنهای حاکم در ایران میدانند. به قول مردم، اولاً در سال گذشته حجم باران در منطقه بسیار بالاتر بوده است و هیچ بهبودی در وضع دریاچه بوجود نیامده است و ثانیاً، اگر خشکسالی منطقه سهمی در این وضعیت داشته است چرا دو دریاچه خواهر به نامهای "وان" در ترکیه و "گوجه گولو" (سیوان) در ارمنستان، علیرغم اینکه هر دو در یک منطقه اکولوژیکی با دریاچه ارومیه قرار دارند و عمر مشابهی دارند ولی هیچکدام با مشکل مشابهی مواجه نشده اند. واقعیت این است که ترکیبی از بی اعتنائی مسئولین و نهادهای

حکومتی در قبال محیط زیست، زندگی و معیشت مردم، و مهمتر از همه منافع اقتصادی باندهای مختلف حکومتی مسبب این تراژدی شده است. مهمترین موارد اینها هستند:

۱- در دو دهه گذشته، علیرغم هشدارهای کارشناسان متعدد، جمهوری اسلامی با راه انداختن پروژه احداث بیش از ۳۵ سد، ورود حجم عظیمی از آب ۲۱ رودخانه منتهی به دریاچه ارومیه یعنی حدود ۵ و نیم میلیون متر مکعب را مسدود کرده است. یعنی عملاً شریانهای اصلی خونی که این دریاچه را زنده نگه داشته است را بسته است. این سدها، هیچ ربطی به ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر تامین آب کشاورزی منطقه ندارد. بلکه یکی از مهمترین پروژه های اقتصادی بود که پشتش مافیاهای اقتصادی حکومتی قرار

دارند که از قبل این سدسازیها، میلیاردها دلار پول به جیب زده اند. اگر کسی می‌خواهد بداند از قبل این پروژه ها چه چیزی نصیب چه کسانی شده است باید به سراغ ارگانها و وزارتهای متنوع نیرو و راه و کشاورزی و مافیاهای اقتصادی متصل به سپاه پاسداران و مهتر و مشخستر از همه قرارگاه خاتم الانبیا برود که به مشابه یکی از اختاپوسهای اقتصادی حکومت اسلامی، تمام پروژه های زیرساختی و جاده سازی و سد سازی و غیره را در چنگالهای خود داشته اند و دارند. بی دلیل نیست که سران حکومت به سطح وسیعی از اعتراضها و هشدارهای کارشناسان واقعی نگذاشته اند و این پروژه ها را ادامه داده اند.

باید این را هم اضافه کنم که در مصاحبه با برنامه زنده تلویزیون کانال جدید در همین هفته، محمد شکوہی، به یک جنبه دیگری از پروژه سد سازی هم اشاره کرد که جای تامل و تاکید دارد. علاوه بر پولسازی از طریق سد سازی، از دو دهه پیش حکومت اسلامی از پروژه های سد سازی در این منطقه یک هدف امنیتی هم داشته است. به این معنا که با سدسازی روی رودخانه هایی که از منطقه کردستان سرچشمه میگیرند، اولاً سعی میکرده در امکانات لیجستیکی و تغییر جا و نقل و انتقال نیروهای اپوزیسیون خلل وارد کند و ثانیاً، روستاهای زیادی در منطقه را ناگزیر به کوچ اجباری کند و به این ترتیب شرایط را برای نیروهای اپوزیسیون فعال در منطقه محدود کند.

۲- علیرغم هشدارهای جدی کارشناسان محیط زیست در دهه ۶۰ و بعد، جمهوری اسلامی پروژه ساختن جاده و پل میان گذر روی دریاچه ارومیه را عملی کرد. و این کار را با روشی مغایر با مدرنترین تکنولوژی جاده و پل سازی و با اتکا به ابتدایی ترین شیوه جاده سازی انجام داد. بیش از ۵ میلیارد تن خاک و سنگ از کوه زنیبل کنده شد و به دریاچه ریخته شد تا شرق و غرب این دریاچه به هم وصل شود. به این ترتیب دریاچه به دو نیمه شمالی و جنوبی تقسیم شد. یک اکوسیستم آبی یکپارچه به دو نیمه تبدیل شد. تعادل زیست محیطی دریاچه بر هم خورد. گردش طبیعی آب و اکسیژن و مواد خوراکی که از طریق چرخش آب در حاشیه و کناره های دریاچه انجام میشده تخریب شد و این موجب شد که میزان شوری و غلظت نمک آب در

بخش شمالی دریاچه به خاطر عدم تبادل طبیعی آب بین این دو بخش به سرعت بالا برود که منجر به نابودی تنها جاندار آبی سخت پوست به نام آرتمیا در نیمه شمالی شد. علاوه بر این، آلودگی صوتی و محیط زیستی حاصل از رفت و آمد خودروها امنیت زیستی پرندگان را به هم زد. و مثل مورد سد سازی، این جا هم پای مافیای اقتصادی در گیر بود که در بالا به آن اشاره کردم. معترضین افشا کرده اند که در پروژه پل میانگذر دریاچه ارومیه شرکتهایی دست اندر کار بوده اند که سرشان به مجتبی خامنه ای وصل است. در یک جمله باید بگویم که این یک مرگ طبیعی و اکولوژیکی نیست که به سراغ دریاچه ارومیه رفته است. قاتلان اسلامی، حکم اعدام این دریاچه را صادر کرده اند.

انترناسیونال: در مورد اعتراضات مردم بگوئید. خواست مردم در این اعتراضات چه میباشد؟ آیا قبلاً هم در این زمینه حرکتی صورت گرفته؟

محسن ابراهیمی: اعتراض به این فاجعه زیست محیطی و جنایتی که زندگی بیش از ده میلیون را به خطر انداخته است مدتهاست شروع شده است. بزرگترین اعتراض در فرودین همین امسال در تبریز و ارومیه رخ داد که به درگیری وسیع مردم معترض با نیروهای انتظامی و امنیتی منجر شد. آخرین اعتراض همین هفته در ۵ شهریور رخ داد. هم در تبریز و هم در ارومیه مردم تجمع اعتراضی شکل دادند و مثل همه موارد، حکومت

ماه رمضان، ماه مبارک خدا...

دهند، اولی روزهای آخر سال و فصل خرید شب عید است! دومی خرید آغاز سال تحصیلی که اختلاف طبقاتی فاحشی در بازار به چشم می خورد و به آشکار خود را نشان می دهد و هر انسانی را زجر میدهد. ماه رمضان را هم من بعنوان مورد سوم اضا فه کردم و در ادامه صحبت هایم به مساله ریخت وپاش حیوانی سر مایه داران و حاج آقا ها و بازاریهای فاسد از یک طرف واز سوی دیگر، نظاره گر بودن بچه های گرسنه و محتاج نان روز در شب عید و اول مهر سخن گفتم. آقا زاده ها و حاج آقاهایی که در شب عید و اول مهر تحت عنوان جشن نیکوکار و جشن عاطفه میکوشند بخشی از کفاره گناهانشان و ذکات سرمایه شان را بپردازند، تا دزدی هایشان را حلال

اسلامی افسار اوایشان را باز کرد تا مردم معترض را سرکوب کند. با گاز اشک آور و گلوله ساچمه ای سراغ مردم رفت اما با مقاومت و تعرض متقابل معترضین مواجه شد. مردم در ارومیه با شعار "بی شرف بی شرف" به نیروهای موتور سوار حکومت اسلامی حمله متقابل کردند و مجبور به فرارشان کردند. اعتراض همچنان ادامه دارد. همین هفته هم در سائیتها دعوت به تظاهرات در تبریز و ارومیه شده است. بخشهای درون مجلس اسلامی در رابطه با تامین آب از رودخانه ارس و سیلوند، به این اعتراضات دامن زده است. ظاهراً عده ای از اوایش درون مجلس طرح دوفوریتی آورده اند که از آب این دو رودخانه کمی آب به دریاچه تشنه بدهند که با رای اکثریت اوایشان مجلس رد شده است.

در اعتراضات تا کنونی شعارهای زیر داده شده است: ارومو گولو سوسوزدی، آذربایجان اویناماسا اتوزدو. (دریاچه ارومیه تشنه است، آذربایجان بیدار نشود باخته است). ارومیه گولو سه سله نیر، سوسوزام هارای هارای. (دریاچه ارومیه فریاد میزند، تشنه ام تشنه ام). سدلری سیندیرون، ارومو گولون دولیورون (سدها را بشکنید، دریاچه ارومیه را پر کنید). و یکی از شعارهای مهم این هفته این بوده است: ارومو گولو جان ویریر، مجلس اونون قتلینه فرمان ویریر (دریاچه ارومیه جان میدهد، مجلس به قتل آن فرمان میدهد). با این شعار مردم معترض به روشنی اعلام

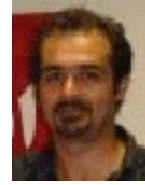
صفحه ۸

از صفحه ۶

کنند و هم دنیا را داشته باشند و هم آخرت را. و واقعا هم اگر بهشت و جهنمی بود آنها هستند که به بهشت خواهند رفت و جهنم نصیب فقرا میشود که نمیدانند کی روزه بگیرند و کی بخورند و مدام از عصبانیت و ناداری به خدا و آسمان فحش میدهند و کفر میگویند! ما دوازده ماه سال در گرسنگی و روزه هستیم. در ماه رمضان هم باز گرسنگی از ماست و مفتخوری و به جیب زدن پولهای کلان نصیب جنابان پاسدار میلیاردها. واقعا مرگ بر این نظام توحش ضد انسان و ضد بشر، مرگ بر این حاکمان اسلامی سرمایه، بعنوان مسببین و سلاخان بی رحم و واستثمار گر، مرگ بر فقر و نابرابری، زنده باد زندگی انسانی!*

آخرین ترس ها و ... از صفحه ۱

هادی وقفی



ادامه و یادآور انقلاب اسلامی است و مردم این کشورها باید مراقب باشند که انقلاباتشان به یغما نرود! و سپس به موضوع انتخابات در ایران و در واقع بیان ترس و واهمه ای پرداخت که از هم اکنون سرتا پای تمام مقامات حکومت را فراگرفته است. ترس و وحشت از تکرار وقایع خیابانی دو سال پیش اینبار در مقیاسی عظیم تر و تمام کننده تر! سخنان خامنه ای واکنشی بود هم به انقلابات و تحولات عظیم منطقه و هم به انقلابی که همگان مدت‌هاست در ایران انتظارش را می کشند. سوی دیگر ترس از این انقلاب را می توان در اختلافات باندهای مختلف حکومت که هم اکنون با حذف خودی ها و غیرخودی ها، فقط در میان اصولگرایان متمرکز شده، مشاهده کرد. خامنه ای در تمام تلاش های اخیرش برای ایجاد اتحاد - حداقل در میان خود اصولگرایان - ناکام مانده

لیبی برای سرنگونی اش بر زبان راند. دیکتاتور لیبی هم معترضان را خس و خاشاک و موش و سوسک نامید و گفت "شما کی هستید؟ من همه شما را مثل سوسک صحرایی می کشم!" و هم اینک خود سرهنگ است که به همراه خانواده دزد و جنایتکارش در تمام دنیا دنبال سوراخی می گردند تا پنهان شوند و حداقل جان خود را نجات دهند و پیدا نمی کنند. سخنان خامنه ای در عین حال، ترس از همین هم سرنوشتی با قذافی است. تک تک مقاصات این حکومت، از دوم خردادی و اصلاح طلب گرفته تا اصولگرا و غیره، بخوبی می دانند که کارشان تمام است. می دانند که همانگونه که "بهار عرب" از انقلاب و خیزش مردم ایران الگو گرفت، به همان صورت، هم اکنون این جوانان و مردم ایران هستند که می توانند ضربه نهایی را به حکومت اسلامی بمشابه محور اسلام سیاسی و جنایت و ترور و وحشیگری وارد آورند. مقامات این حکومت، از قالیباف و رفسنجانی و مهدوی کنی و برادران لاریجانی گرفته تا احمدی نژاد و انواع

و اقسام سرداران دزد و آدمکش سپاه و بسیج بخوبی می دانند و برایشان آشکار است که دیگر فریب دادن مردم با هدف داغ کردن تنور انتخابات تا چه اندازه برایشان غیرممکن شده است و حتی فراتر از این، آیا اساسا این حکومت خواهد توانست نمایش انتخاباتی دیگری برگزار کند؟! پرسش اساسی و آن ترس و وحشت خامنه ای از پاسخ به همین پرسش است. می داند که جمهوری اسلامی مدت‌هاست که در فرار از سرنگونی، امروز و فردا را می شمارد.

باید گفت اینروزها حکومت خامنه ای دارد فقط با خودش سخن می گوید! خامنه ای دارد به دار و دسته اش راه نشان می دهد و آنها را "آحاد مردم" می نامد و می گوید "آحاد مردم، مسئولان گوناگون، منبرداران سیاسی و کسانی که می توانند با مردم حرف بزنند، باید از انتخابات بعنوان يك نعمت سیاسی پاسداری کنند!" و در واقع، دارد اعلام می کند که همچون تمام دیکتاتورها شمشیر را از رو بسته و می خواهد در آشفته بازار انقلابات

وسیع و عمیق منطقه که اتفاقا هیچ رنگی از اسلام‌گرایی هم ندارند، به هر قیمتی که شده، با برگزاری انتخاباتی آرام برای خود مشروعیت بخرد. بالینحال، باید گفت این فقط قدرت مردم است که خامنه ای و نظامش را واداشته تا اینچنین باصطلاح به سیم آخر بزنند. مردم در کشورهای مختلف منطقه توانسته اند دیکتاتورها را کنار بزنند و هم اکنون دیکتاتور پیر ایران نا امید از نجات اسد، از وحشت انقلاب به هذیان گویی افتاده است. مردم ایران مدت‌هاست مترصد فرصتی هستند تا بساط دیکتاتوری مذهبی را از ایران جارو کنند و هم اکنون تمام این انقلابات و نتایج و دستاوردهای آنها را بدقت زیر نظر دارند تا بتوانند آن ضربه نهایی را بر پیکره اسلام سیاسی در منطقه وارد آورند. راه نجاتی باقی نمانده و در واقع، شاید بتوان گفت و امیدوار بود که بلوای نهایی حتی به انتخابات هم نرسد و اختلافات عمیق حکومتیان زمینه های دیگری را برای به خیابان آمدن دوباره مردم فراهم سازد...*

و بلافاصله خشک شدن دریاچه، مردم شهرها و روستاهای منطقه وسیعی از استانهای اطراف است اما از لحاظ سیاسی نتیجه تقابل مردم منطقه و معترض در ایران مربوط است. اینجا هم هر درجه از پیشروی و پیروزی اعتراض مردم، موقعیت اعتراض در سطح سراسری علیه حکومت اسلامی را تقویت میکند و موقعیت حکومت را در قبال مردم معترض تضعیف میکند. می‌خواهم تاکید کنم که این عرصه مبارزه نباید فقط به مردم منطقه محدود بماند. اعتراض مردم منطقه علیه این سیاستهای ضد انسانی بخشی از اعتراض مردم در سایر نقاط ایران است که دانما در جریان است. باید به هر طریق ممکن و در سطحی وسیعتر از منطقه به این سیاستهای ضد انسانی اعتراض کرد. فاجعه زیست محیطی و انسانی خشک شدن دریاچه ارومیه، يك وجه دیگر از فاجعه عظیمتری است که در کل ایران به زندگی مردم سایه انداخته است: فاجعه ای به نام جمهوری اسلامی. مبارزه و اعتراض برای نجات این دریاچه را هم باید به عنوان بخشی از عظیمتر یعنی جمهوری اسلامی تلقی کرد.*

اجباری این میلیونها انسان خود جمهوری اسلامی است. و مثل همه موارد اینجا هم فقط و فقط اعتراض گسترده و متحد مردم است که میتواند راه نجاتی در این مورد باز کند.

علاوه بر این، حتی اگر سیاستهای انسان ستیز دزدان اسلامی حاکم هیچ نقشی در این وضعیت نداشت، و مثلا این وضعیت تماما محصول تحولات طبیعی مثل خشکسالی مورد ادعای رژیم هم بود، باز هم باید زندگی میلیونها انسانی که به خاطر این تراژدی از بین خواهد رفت را از ثروت این جامعه تامین کرد. باید همه کارگرانی که از محل تورسیسم این دریاچه گذران می‌کردند، تمام کشاورزان و باغداران و دامدارانی که به خاطر این وضعیت منبع معیشت خودشان را از دست خواهند داد، تمام خانواده هایی که بی خانمان خواهند شد و هر تك فردی که شغل و درآمد و معیشتش را از دست خواهد داد تحت پوشش قرار گیرند. و به این معنا باید کم حکومت اسلامی را شکست تا مردمی که زیر این فاجعه کمرشان خم شده است بتوانند قد راست کنند.

به این اعتبار باید تاکید کنم که همه چیز منوط به این است که اعتراضات چقدر گسترده و متحد و قدرتمند باشد. اگرچه قربانیان مستقیم

است که برای پیدا کردن این راه، و مهمتر از این برای پیاده کردن آن باید قبل از هر چیز بودجه و امکانات جامعه را بسیج کرد. بودجه و امکانات جامعه کجاست؟ در چنگال دزدان اسلامی حاکم که ذره ای به محیط زیست و معیشت مردم اعتنایی ندارند و تماما در فکر بالا کشیدن ثروت از قبل خانه خرابی مردم هستند. این همان حکومتی است که ثروت عظیم این کشور را که بخشا توسط همین مردم منطقه مورد بحث تولید شده است خرج احداث امامزاده و تولید آخوند و لشکر ترویج خرافه و حماقت میکند؛ این همان حکومتی است که این ثروت را خرج مسلح کردن آدمکشان حرفه ای اسلامی در لبنان و سوریه و فلسطین میکند؛ این همان حکومتی است که بخشی از درآمدهای کلان همین سدسازها را خرج نگهداری نیروهای امنیتی میکند تا به سراغ معترضین از جمله معترضین ارومیه و تبریز بفرستد. به این اعتبار، وضعیت کنونی این دریاچه و عواقب طبیعی و اقتصادی و اجتماعی و انسانی آن مستقیما محصول سیاستهای حکومت اسلامی و دزدان حاکم است. مسئول مستقیم خشک شدن این دریاچه و به همراه آن خشک شدن منبع معیشت بیش از ده میلیون انسان، نه تنها این بلکه کوچ و آوارگی

از صفحه ۷

دسته دولتی مستقل باشند و از دسترس تطمیع و تهدید حکومت اسلامی دور باشند؛ تازه آنوقت میتوان از نظر علمی به استنتاجات واقعی و راه‌های واقعی برای کنترل تخریب دریاچه رسید. تا همینجا از پمپاژ آب از رودخانه ارس و سیلوند و بارور کردن ابرها و غیره صحبت شده است. اما از نظر اکثر کارشناسانی که از همان اول در رابطه با سدها و جاده میان گذر هشدار داده بودند و با بی اعتنایی کامل دولت اسلامی روبرو شده بودند، باید قبل از هر چیز فکری به سدها و همین جاده میان گذر کرد. و اینجاست که فوراً پای منافع اقتصادی همان مافیایی که پروژه سدها و جاده را در دست داشته است به وسط میاید. و روشن است که به خاطر ارتباط تنگاتنگ این مافیای اقتصادی با مافیای سیاسی حاکم، نه تنها هیچ اراده سیاسی از طرف دستگاههای دولتی برای نجات این دریاچه وجود نخواهد داشت بلکه برعکس اراده سیاسی حکومت در مقابل اعتراض به این وضعیت و چاره جویی خواهد بود. همان چیزی که تاکنون بوده است.

مسئله فقط این نیست که آیا از نقطه نظر علمی و عملا راهی برای نجات دریاچه وجود دارد؟ مسئله این

خشکیدن دریاچه ارومیه ...

میکند که میدانند مسئول مستقیم این فاجعه زیست محیطی و انسانی چیست. مردم میدانند که مسئله مستقیما سیاسی و موضوعی مربوط به دزدان حاکم اسلامی است. بیدلیل نیست که هر اعتراض علیه این وضعیت فوراً به تقابل میان معترضین و نیروهای امنیتی حکومت تبدیل میشود. حکومت اسلامی دریاچه ارومیه را به مرگ از تشنگی و مردم منطقه را به بیخانمانی و محرومیت گسترده از معیشتشان محکوم کرده است و مردم هم بدرستی سراغ قاتلان اصلی رفته اند.

انترناسیونال: با توجه به همه فاکتورها فکر میکنید میشود از خشکیدن دریاچه ارومیه جلوگیری کرد؟ اگر نه چه اقدامات دیگری برای دفاع از زندگی مردمی که زندگیشان به خطر افتاده میشود انجام داد؟

محسن ابراهیمی: در پاسخ به این سؤال هم جنبه عملی و علمی کارشناسانه را باید در نظر گرفت و هم جنبه سیاسی اش را. این دو البته در جمهوری اسلامی بشدت به هم مربوط است. کارشناسانی در این مورد میتوانند قابل اعتماد باشند که به طور کامل از حکومت اسلامی و دار و



صدیق کمانگر از چهره های سرشناس جنبش کمونیستی ایران و محبوب در شهر سندنجد در سپتامبر ۱۹۸۹ (۱۳ شهریور ۱۳۶۸) به دست جانیان اسلامی ترور شد. یادش گرامی باد

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا

Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

داشتند ولی تنها چیزی که دریافت کرده اند وعده و وعید پوچ بوده است. یکی از کارگران گفته است: هدفشان از سردواندن کارگران این است که ظاهرا ما را خسته کنند در حالی که باید مطمئن باشند ما خسته نخواهیم شد و تا حتما را نگیریم از پای نخواهیم نشست.

اعتصاب و تجمع اعتراضی

کارگران راهسازی آران راه

طبق خبر که روز ۳۱ مرداد منتشر شده است، کارگران شرکت راهسازی آران راه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه ۴ ماهه خود، دست به تحصن زدند. این کارگران با مراجعه به شرکت یاد شده در شهرهای سردشت و ربط و مشاهده بسته بودن این دفاتر، به دفتر شرکت در روستای نلاس مراجعه و مقابل دفتر مربوطه دست به تحصن زدند. رئیس شرکت در مقابل خواست کارگران، اقدام به توهین به آنان نمود و ۵ نفر از کارگران را که هر کدام ۴ تا ۵ سال سابقه کار داشتند را از کار اخراج کرد. در مقابل کارگران اعلام کردند به تحصن خود تا رسیدن به خواسته هایشان ادامه می دهند.

تجمع عدهای از بیکاران

شهرستان اندیشک مقابل اداره کار این شهر

"اتحادیه مستقل کارگران شمال خوزستان" در خبری اعلام کرده است که صبح روز چهارشنبه عدهای از بیکاران شهرستان اندیشک با تجمع مقابل اداره کار این شهر نسبت به بیکاری و وعده های غیر واقعی مسئولین مبنی بر ایجاد دو و نیم میلیون شغل اعتراض کردند. در ادامه این خبر آمده است: "تجمع کنندگان عنوان کردند که ما بیکاران بواسطه بیکاری از همه حقوق اجتماعی و شهروندی محروم شده ایم لذا دولت باید حقوقی را به عنوان حق بیکاری تا زمانی که شغل ایجاد نکرده است به ما پرداخت نماید."

تجمع اعتراضی معلمان استان

کهگیلویه و بویراحمد

در خبرها آمده است که از صبح سه شنبه اول شهریور تعداد زیادی از معلمان حق التدریسی استان کهگیلویه و بویراحمد در برابر مجلس اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. این معلمان با وجود سابقه چندین ساله هنوز از سوی وزارت آموزش و پرورش استخدام نشده اند. بیشتر این معلمان بالاتر از ده سال سابقه کار در آموزش و پرورش دارند. این معلمان شب قبلش از یاسوج راه افتاده و صبح روز سه شنبه

اخباری از اعتراضات کارگری در ایران

اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان

با برگزاری این تجمع، خواستار دریافت دستمزدهای معوقه ۴ ماهه خود شدند.

ادامه اعتراضات کارگری در شرکت آرم فرم

در خبرها آمده است که مبارزات کارگران شاغل در شرکت آرم فرم جهت دستیابی به ۳ ماه دستمزدهای معوقه مربوط به سال جاری همچنان ادامه دارد. کارفرمای شرکت مذکور در تهران قرار دارد علاوه بر عدم پرداخت ۳ ماه دستمزدهای معوقه پیشین، از پرداخت دستمزد مرداد کارگران نیز خودداری ورزد.

کارگران نساجی بافت بلوچ:

فرزندنامان شبها گرسنه می خوابند

در خبرها آمده است که بیش از ۶۰۰ تن از کارگران بافت بلوچ که در سال ۱۳۸۱ به منظور بازنشستگی اخراج شدند تاکنون بازنشسته نشده و از حقوق بازنشستگی و مزایای آن محروم هستند. بیش از ۱۰۰ نفر از همین کارگران که مقابل تأمین اجتماعی ایرانشهر روز اول شهریور دست به تجمع زده بودند به عدم توجه مقامات دولتی نسبت به سرنوشت خانواده های خود معترض بودند. یکی از کارگران در این تجمع گفت: به خدا به نان شب محتاجیم و فرزندنام شبها گرسنه می خوابند و ناچاراً به خلاف کشیده خواهند شد. سرنوشت ما در معرض نابودی است ما حتی برای افطار چیزی جز آب خالی و چند عدد خرما آنهم در این منطقه خرماخیز نداریم. به همه ارگانها و مقامات و ادارات دست اندرکار نیز مراجعه و شکایت و درخواست و التماس کردیم. اما نرود میخ آهنین در سنگ و تاکنون هیچ جوابی به ما داده نشده است.

تجمع کارگران کارخانه سازمایه همراه با خانواده هایشان

در خبرها آمده است که روز ۲ شهریور بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران کارخانه سازمایه پاکدشت که تولید کننده آجر و سفال میباشد همراه با خانواده هایشان از ساعت ۹ و نیم صبح در جلو کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران بیش از دو سال است که حقوق معوقه دارند و علیرغم پیگیریهای مستمری که طی اینمدت داشته اند هیچگونه پاسخی نگرفته و بارها به دفتر ریاست جمهوری، فرمانداری، وزارت کار و ... مراجعه

در خبرها آمده است که روز یکشنبه ۶ شهریور تعداد زیادی از کارگران پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات کاری خود دست از کار کشیدند. عصر جمعه نیز صدها کارگر پالایشگاه آبادان در پی وعده یکی از نمایندگان مجلس اسلامی از این شهر، در یک حسینیه تجمع کردند تا به گفتگو و مذاکره با مقامات مربوطه بپردازند اما هیچک از کارگران رژیم برای گفتگو با آنان در محل حاضر نشدند. به دنبال بی اعتنائی کارگران رژیم به درخواست کارگران، کارگران نیز ضمن از دست کشیدن کار، اعلام کردند تا تحقق مطالبات خود به این اعتصاب ادامه خواهند داد.

کارگران متروی اهواز دست از کار کشیدند

به گزارشی که ایلنا منتشر کرده است، ۴۰۰ تن از کارگران شرکت کیسون، شرکت پیمانکار طرف قرارداد با متروی اهواز به دلیل عدم پرداخت ۷ ماه حقوق خود روز ۵ شهریور دست از کار کشیدند. همین خبرگزاری روز ۶ شهریور خبر داد که: "بنا به گزارش های رسیده امروز هم این اعتصاب ادامه دارد."

تجمع اعتراضی کارگران کاغذ پارس مقابل فرمانداری شوش

بنابر خبری که کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری منتشر کرده است، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاغذ پارس به دلیل عدم پرداخت چند ماهه دستمزدهای خود صبح روز دوشنبه ۷ شهریور تجمع اعتراضی مقابل فرمانداری شهرستان شوش در خوزستان برپا کردند. کارخانه مزبور که مواد اولیه ی خود را از کارخانه نیشکر هفت تپه تأمین میکند در سالهای قبل بیش از ۳۰۰ کارگر رسمی و قراردادی داشته است که اکثر آنها رسمی بوده اند و اکنون به دلیل اخراج و بیکارسازیها، تنها در حدود کمتر از ۷۰۰ تن کارگر در آن مشغول بکار هستند.

تجمع اعتراضی کارگران اداره آب و فاضلاب خرمشهر

در خبرها آمده است که دهها تن از کارگران اداره آب و فاضلاب خرمشهر در مقابل دفتر شرکت پیمانکار خود، دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران

به تهران رسیده بودند و از ساعت ۷ صبح اعتراض خود را جلوی مجلس اسلامی شروع کردند. معلمان گفته اند آموزش و پرورش با نادیده گرفتن همه سوابق آنها در حال سردواندن این افراد

است و اعلام کرده اند تا رسیدن به حقتشان در برابر مجلس به تجمع خود ادامه می دهند.

تظاهرات مردم سلیمانیه علیه جنایات دولت ترکیه و جمهوری اسلامی

آزادی رسیدند و در آنجا ابتدا یک دقیقه سکوت اعلام کردند و سپس نمایندگان احزاب و سازمانهای مختلف شرکت کننده، پیام ها و اطلاعیه های خود را در محکومیت جنایت دولت ترکیه و جمهوری اسلامی قرائت کردند. در این مراسم فراخوان مشترک حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری چپ عراق برای تظاهرات در روز سوم سپتامبر نیز قرائت شد که

در اعتراض به حمله جنگنده های دولت ترکیه و توپ باران مناطق مرزی کردستان عراق توسط نیروهای ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۷ اوت ساعت سه و نیم بعدازظهر صدها نفر از مردم آزادیخواه شهر سلیمانیه و ایرانیان مقیم این شهر دست به تظاهرات زدند. تظاهرات کنندگان که شعار "ردوغان تروریست، احمدی نژاد قاتل" سر میدادند، از مسیر خیابان پارک آزادی به پارک



فضای میلناریستی، روز شنبه سوم سپتامبر به تظاهرات در حمایت از مردم کردستان عراق دست بزنند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ اوت ۲۰۱۱

در حمایت از مردم کردستان عراق دست بزنند.

ما در کنار مردم عراق و همراه همه آزادیخواهان و نیروهای سیاسی مخالف جنایات جمهوری اسلامی و دولت ترکیه تظاهرات هایی را در شهرهای مختلف جهان برپا خواهیم کرد. لیست و جزئیات تظاهرات ها در اطلاعیه های بعدی اعلام خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران
حزب کمونیست کارگری چپ عراق
۲۵ اوت ۲۰۱۱، ۳ شهریور ۱۳۹۰

سوم سپتامبر ۲۰۱۱ تظاهرات جهانی: در دفاع از مردم کردستان عراق، علیه جنایات جمهوری اسلامی و دولت ترکیه!

آورده و فی الحال در چند شهر کردستان عراق تظاهرات هایی برپا شده است. در ادامه این اعتراضات، در محکومیت جمهوری اسلامی و دولت ترکیه، برای توقف فوری این جنایت و پایان دادن به فضای میلناریستی از همه مردم آزادیخواه در اروپا، آمریکای شمالی، ترکیه، عراق و ایران دعوت میکنیم تا در روز شنبه سوم سپتامبر به تظاهرات

چند هفته است که زندگی مردم بخش هایی از کردستان عراق در حملات و اقدامات ضدبشری جمهوری اسلامی و دولت ترکیه به خاک و خون کشیده شده است. هدف این جنایات ایجاد فضای رعب و میلناریسم و عقب راندن اعتراض و مبارزه مردم است. صحنه های دلخراش بدن های تکه پاره شده مردم، بسیاری را در جهان به خشم

لیست آکسیونهای سوم سپتامبر: در دفاع از مردم کردستان عراق، علیه جنایات جمهوری اسلامی و دولت ترکیه!

Domplatte
فراخوان دهنده: حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری چپ عراق

آمریکا: واشنگتن
۳ سپتامبر، ۱ تا ۳ بعدازظهر

مقابل سفارت ترکیه

Place: Embassy of Turkey
(2525 Massachusetts Ave
NW) starting at 1pm, then at
2pm move to protest at the
offices of the Islamic
Republic of Iran (2209
Wisconsin Ave) and protest

for an hour
سازمان دهنده: میشن فری ایران
تماس: ۰۰۱۲۴۰۵۹۵۲۶۳۳

قبرس: Cyprus

نیکوزیا: ۳ سپتامبر، ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
تماس: امیر مسعود خاقانی، تلفن ۹۹۱۷۰۸۰۳

سازمان دهنده: CRRM

تلفن تماس؛ فریده آرمان
0703638088

اوربرو: ساعت ۱۶ تا ۱۷
stortorget
Mission Free برگزار کننده:

کانادا:

تورنتو: ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر

مقابل کنسولگری ترکیه

TURKISH CONSULATE
Lower Spadina 10
Avenue
South of lake Shore Blvd.
W

ونکوور: ساعت ۱۷ تا ۱۹

مقابل آرت گالری، خیابان
Robson & How

آلمان:

فرانکفورت: شنبه ۳ سپتامبر،
ساعت ۱ تا ۵ بعدازظهر در مرکز
شهر Hauptwache

فراخوان دهنده: حزب کمونیست کارگری ایران، حزب کمونیست کارگری چپ عراق

کلن: شنبه ۳ سپتامبر، ساعت ۵ بعد از ظهر در مرکز شهر کلن

در اعتراض به اقدامات جنایتکارانه و ضد انسانی جمهوری اسلامی و دولت ترکیه در هفته های اخیر علیه مردم کردستان عراق، بپا خیزیم. در واکنش به این اقدام جنایتکارانه، تا کنون اعتراضاتی در چند شهر کردستان عراق برگزار شده است. سوم سپتامبر اعتراضاتی علیه این جنایات در کشورهای مختلف برگزار میگردد. به این اعتراضات بپیوندید. لیست اعتراضاتی که تا کنون اعلام شده است. لیست تکمیل میشود.

سوئد:

برس: ساعت ۱۴ تا ۱۶

Stora torget
تلفن تماس؛ 0737598566
اسمائیل مردوخ

گوتنبرگ: ساعت ۱۳ تا ۱۵

Brunnsparken
تلفن تماس؛ 0737178819
عبداله اسدی

مالمو: ساعت ۱۳ تا ۱۵

Davidshallsbron

در دفاع از مردم عراق و کردستان عراق علیه سیاستهای تجاوزکارانه دولت های جمهوری اسلامی و ترکیه

ترکیب قومی مذهبی آنها و روابط و بند و بست های کثیف آنها با دولت های ترکیه و جمهوری اسلامی و عرستان و غیره است. مردم کردستان عراق در منگنه جنایتی گرفتار آمده اند که یک سرش جمهوری اسلامی و دولت های ترکیه و عراق و آمریکاست و سر دیگرش جریانات ناسیونالیست قومی و ارتجاعی نظیر پژاک و پ ک ک است که هدفی جز سهم خواهی در قدرت ندارند. مردم هیچ نفعی در این جنگ قدرت مرتجعین ندارند. دفاع جانانه از مردم کردستان عراق، وظیفه صف آزادیخواهی و سوسیالیسم و جهان متمن است.

حزب کمونیست کارگری ایران همبستگی عمیق خود را با مردم عراق و کردستان عراق علیه شرایط ناامنی که توسط این نیروها بر آنها حاکم شده است، اعلام میکند و تجاوزات جنایتکارانه اخیر جمهوری اسلامی و دولت ترکیه را شدیداً محکوم میکند. از همه مردم آزاده و همه نیروهای سیاسی در عراق و ترکیه و ایران و در سراسر جهان دعوت میکنیم تا برای محکومیت دولت های ترکیه و ایران و علیه فضای میلناریستی در منطقه به میدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ شهریور ۱۳۹۰، ۲۳ اوت ۲۰۱۱



جمهوری اسلامی و ...

از صفحه ۱



و چرا از رژیم دوست و برادر بشار اسد بوده است. حمایت‌های نظامی و شرکت مستقیم در سرکوب اعتراضات مردم سوریه، راه اندازی تبلیغات به نفع رژیم سوریه، کمک های چند میلیارد دلاری به این رژیم سرفصل های اصلی سیاست رژیم ایران بوده است. وقاحت ویی شرمی جمهوری اسلامی تا آنجا پیش رفت که جمهوری اسلامی رسماً انقلاب مردم سوریه را "توطئه بیگانگان و تروریستها" دانست و در کمک به رژیم سوریه برای سرکوب انقلاب مردم، از هیچ کمکی دریغ نکرد.

اکنون بیش از شش ماه از آغاز انقلاب مردم سوریه بر علیه حکومت اسد می گذرد. ادامه مبارزات مردم وضعیت رژیم اسد را شکننده کرده و متحد طبیعی آن جمهوری اسلامی را هم زیر منگنه گذاشته است. چشم انداز پیروزی مردم سوریه بخش هایی از حکومت را مجبور کرده است که به انقلاب مردم سوریه اعتراف کرده و شکسته و بسته، البته تا آنجایی که خامنه ای صلاح بداند، از سیاست حمایت بدون چون و چرای حکومت از

رژیم سوریه، زبان به "انتقاد" بکشایند. چند هفته پیش احمدی نژاد در دیدار با مقامات ترکیه مجبور شد اعتراف کند که مردم سوریه "خواستگاهی" دارند که به نظر وی باید دولت سوریه به آنها گوش بدهد. بخش دیگری از حکومت شعار "اصلاحات در سوریه همراه با مردم" را سر داده است. جمهوری اسلامی که براهر فشار انقلاب مردم سوریه آچمز شده است، در هفته های اخیر و به دنبال فشارهای جهانی، بویژه وضعیت نگران کننده خود جمهوری اسلامی در داخل، به تحركات خود در برخورد "نوع دیگر" به انقلاب مردم سوریه افزوده است. بخش هایی از رژیم به این نتیجه رسیده است که ادامه حمایت از حکومت بشار اسد با خطرات جدی روبرو است. آنها معتقدند که رژیم سوریه که در "خط مقدم مبارزه بر علیه اسرائیل" قرار دارد، با به میدان آمدن مردم موجودیتش به خطر

افتاده و این بزرگترین ضربه به جمهوری اسلامی است. در ادامه انقلابات منطقه و سرنگونی دیکتاتورها احتمال به زیر کشیده شدن حکومت اسد زیاد است و در این صورت جمهوری اسلامی یکی از مهمترین هم پیمانانش را در منطقه از دست داده و ایزوله تر خواهد شد. در همین راستا جمهوری اسلامی ناچار شده يك چرخش ۱۸۰ درجه ای در سیاست حمایت از رژیم اسد بدهد. جمهوری اسلامی در تلاش است این بار رژیم اسد را به انجام "پاره ای اصلاحات" برای سالم بفر رفتن کل رژیم از خطر سرنگونی توسط انقلاب مردم، تشویق نماید. اینکه جمهوری اسلامی تا چه حد در دنبال کردن این سیاست و یا فشار به اسد در این زمینه جدی است جای تردید بسیار است. حقیقت اینست که حکومت اسد نیز همچون جمهوری اسلامی آقدر در همین چند ماهه جنایت کرده است که راه سازش با راست ترین بخشهای اپوزیسیونش را هم بسته است. اما فکر کردن به چنین سیاستی از طرف سران جمهوری اسلامی که هدفش حفظ رژیم اسد می باشد، خود گویای نا امیدي سوخت. بعد از مهار آتش سوزی سر و جسد سوخته رضا عبدیان را از زیر آوار بیرون میکشند و به پزشکی قانونی تهران منتقل میکنند. تا رسیدن این خبر خانواده رضا هنوز جسد عزیزشان را تحویل نگرفته اند. طبق گفته کارگران این کارخانه قبلا چندین بار کارگران به مدیر کارخانه هشدار داده و احتمال خطر انفجار گاز را به او گفته بودند. اما کارفرما هر بار در جواب کارگران گفته

است مشکلی نیست و نشست گاز به مقدار کم خطری را ایجاد نمیکند. این بی توجهی کارفرما و نبود ایمنی محل کار هر سال تعداد زیادی از کارگران را قربانی سود و طمع کارفرمایان میکند. کمیته کردستان حزب درگذشت رضا عبدیان را به خانواده و بستگان و همکاران او تسلیت میگوید و همه کارگران را فرامیخواند که در مقابل این نوع بی توجهی کارفرمایان

اعتراض کنند و خواهان تامین ایمنی محل کار طبق استانداردهای بین المللی شوند. نباید اجازه داد عدم ایمنی محل کار بیش از این کارگران را قربانی سود و طمع کارفرمایان و سرمایه داران کند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ اوت ۲۰۱۱

احتضار شدند. در ادامه آمده است که این ۶ تن باید روز سه شنبه راس

بر اثر انفجار گاز یک کارگر دیگر جانش را از دست داد

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است، رضا عبدیان يك کارگر اهل بوکان که در کارخانه عایق کاری ساختمان، در تهران کار میکرد بر اثر انفجار گاز جانش را از دست داده است.

دیروز یکشنبه ۲۸ اوت ۲۰۱۱ ساعت دو بعد از ظهر بر اثر انفجار گاز يك کارگر دیگر قربانی شد. در این

دادگاه و محاکمه علیه فعالین کارگری

این خبر آمده است که وی در طی دوران بازداشت در بند ۲۰۹ زندان اوین به منظور اخذ اعترافات تلویزیونی بشدت تحت فشار قرار داشت.

بازداشت یک فعال کارگری در شهر سنندج

از سنندج خبری منتشر شده که روز ۶ شهریور، ماموران امنیتی رژیم با یورش به خانه کورش بخشند، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، او را همراه با فرزندش به نام یاشار، بازداشت می کنند. در این یورش لوازم شخصی و کامپیوتر نامبرده را نیز ضبط

محکومیت افشین حیرتیان، فعال حقوق کودکان به ۴ سال حبس تعزیری

در خبرها آمده است که افشین حیرتیان، فعال حقوق کودکان کار و خیابان، از سوی دادگاه اسلامی تهران به تحمل ۴ سال حبس تعزیری محکوم شده است. یکی از اتهامات وی نوشتن و چاپ چند مقاله در رابطه با کودکان کار و روز جهانی کودک بوده است.

افشین حیرتیان که در روز ۱۳ خرداد ماه در پارک مقابل خانه هنرمندان بازداشت شده بود پس از قریب به ۲ ماه بازداشت موقت، به قید وثیقه از زندان آزاد شد. در ادامه

Free jailed workers in Iran

Mansoor Ossanlou
Ebrahim Madadi
Mohammad Jarahi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Shahrokh Zamani
Seyed Boyok Sidlar

Shahrokh Zamani
Ebrahim Madadi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Mansoor Ossanlou

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهر دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com

بهرام سروش
bahram.soroush@gmail.com

"۲۲ سال پیش همسر من به قتل رسید"

عنوان مطلبی در روزنامه سید سونسکا که در تاریخ ۲۷ اوت ۲۰۱۱ در کشور سوئد منتشر شد



مطلبی از فریده آرمان به تازگی کتابی در سوئد منتشر شده است به نام "تو را در لازناکا ملاقات میکنم" که به زبان سوئدی است و نویسنده آن خانم آذر محلوچیان می باشد. موضوع این کتاب اتصالی است بین وضعیت ایران امروز و قتل یک فعال سیاسی در لازناکا.

وقتی کتاب را دیدم محل مرگ شوهرم را به یاد آوردم. ۲۶ اوت ۲۰۱۱ دقیقاً ۲۲ سال پیش در چنین روزی همسر من به دست جمهوری اسلامی در قبرس (لازناکا) به قتل رسید.

میکرد. صاحبان قدرت در جمهوری اسلامی طرح قتل های مخالفین خود در خارج کشور بودند.

حتما شما ندا آقا سلطان را در زمانی که در خیابانی در تهران جلوی چشم همه در یک تظاهرات آرام در سال ۲۰۰۹ به قتل رسید را به یاد می آورید. این قتل مرا به یاد قتل غلام می اندازد. ندا یکی از صدها هزار جوانی بود که در ایران بر علیه رژیم دیکتاتوری ایران تظاهرات کرد. جوانان آزادی و جامعه انسانی میخواستند. آنها خواهان سرنگونی رژیم دیکتاتوری بودند. همان چیزی که غلام نیز میخواست. وقتی که من در مورد اتفاقاتی که در لیبی، سوریه، تونس و مصر در تلویزیون میبینم و می شنوم کشور به کشور مردم بلند میشوند و بر علیه دیکتاتوری و فقر به تظاهرات میپردازند، این مرا بسیار خوشحال میکند. از این خوشحالم که رژیم های دیکتاتوری یکی بعد از دیگری



غلام کشاورز از چهره های سرشناس جنبش کمونیستی ایران در ۲۶ اوت ۱۹۸۹ (۴ شهریور ۶۸) در شهر لازناکا در قبرس توسط جانیان اسلامی ترور شد یادش گرامی باد



عکسی از جلد کتاب "تورا در لازناکا ملاقات میکنم"

لحظه امکان سرنگونی این رژیم بیشتر و بیشتر میشود. جان تاسف است که هنوز بسیاری از کشورهای جهان این رژیم وحشی و جنایتکار را به رسمیت می شناسند و به روابط دیپلماتیک خود با ایران ادامه میدهند.

سرنگون میشوند. مردم در همه جا خواهان یک جامعه نوین هستند. انقلابی که در سال ۲۰۰۹ در ایران شروع شد مثل آتش داغی بود در زیر پای سردمداران جمهوری اسلامی. ما میدانیم که رژیم ایران در نوبت سرنگونی قرار دارد و هر

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در حمایت از مبارزه مردم در ارومیه، تبریز و میانه

روز شنبه ۵ شهریور (۲۷ اوت) شهرهای تبریز، ارومیه، میانه و ... شاهد اعتراضات جوانان و مردم به فاجعه محیط زیستی خشک شدن دریاچه ارومیه بود. دریاچه ارومیه دومین دریاچه بزرگ آب شور دنیا و بیستمین دریاچه بزرگ جهان است. با خشک شدن این دریاچه، علاوه بر خسارات شدید محیط زیستی و مشکلات عدیده ای که گفته میشود برای مردم بدنبال خواهد داشت، بخشی از مردم متحمل خسارت مالی میشوند، عده ای کار خود را از دست میدهند و تعداد زیادی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود میشوند.

از چند سال پیش، اعتراضات بحق مردم ارومیه و اطراف به خشک شدن دریاچه ارومیه شروع شده است. مردم به درست انگشت اتهام را بسوی حکومت اسلامی گرفته و خواهان اقدامات فوری در مقابل خشک شدن این دریاچه هستند.

حکومت اسلامی اما نه فقط عکس العملی به این خواست بحق

مردم نشان نداده و کوچکترین احساس مسئولیتی در قبال محیط زیست و زندگی مردم ندارد، بلکه هر حرکت و اعتراض فعالین دفاع از محیط زیست و جوانان ارومیه و سایر شهرها را سرکوب کرده است. وقتی که مدتی پیش تعدادی از جوانان در یک حرکت سمبلیک، بطری های آب را به دریاچه میریختند، مزدوران حکومت به آنها حمله کرده و تعدادی را دستگیر کردند. در روز شنبه ۵ شهریور نیز باز هم چماق بدستان و مزدوران حکومت به تجمع اعتراضی مردم در ارومیه و تبریز حمله کرده و تعداد زیادی را دستگیر کردند.

مزدوران حتی به بیمارستان مطهری در شهر ارومیه حمله کرده و مجروحان و کسانی که به بیمارستان پناه برده بودند را دستگیر کردند. خانواده های دستگیر شدگان هنوز از محل نگهداری عزیزان خود خبری ندارند.

بحق آنان را با سرکوب و دستگیری و جنایت پاسخ میدهد. حزب کمونیست کارگری سرکوب جوانان و مردم ارومیه، تبریز، میانه و دیگر شهرها را بشدت محکوم میکند و همه مردم در سراسر کشور را فرامیخواند که از این اعتراضات بحق و برای آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان دست به اعتراض بزنند.

حزب کمونیست کارگری همانطور که در برنامه "یک دنیای بهتر" گفته است، "برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن و آزادی ساکنین کشور و نمایندگان آنها در کنترل و حسابرسی تاثیرات فعالیت های دولت و نگاه های مختلف بر محیط زیست" را حق بدیهی و بی چون و چرای مردم میداند.

زنده باد انقلاب انسانی برای حکومت انسانی
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران
۷ شهریور ۱۳۹۰، ۲۹ اوت ۲۰۱۱



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!